

منبر مکتوب ویژه اربعین

اربعین شروعی برای زندگی تازه



@Hawzah_Panahian



مرکز تخصصی تبلیغ دارالحکمه



برای عضویت در کانال «حوزه و تبلیغ» اسکن کنید
کاری از مرکز تخصصی تبلیغ دارالحکمه

اربعین جهانی شد و جهانیان تیرهم خواهد شد.

رهبرانقلاب اسلامی ۱۳۹۸/۰۶/۲۷



فهرست

مبحث اول:

۷ «زیارت اربعین تفریح یا تکلیف؟!»

مبحث دوم:

۲۵ «هم دلی؛ در زیارت اربعین»

مبحث سوم:

۴۱ «مهم ترین حرکت به سوی ظهور»

مبحث چهارم:

۶۱ «تمرین ظهور در زیارت اربعین»

مبحث پنجم:

۷۷ «چگونه زائران اربعین، یاوران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می شوند؟»

خشای اضافه :

۹۱ «عبارات کوتاه به همراه ترجمه عربی برای تشکر از مردم عراق»



مجلس شورای اسلامی ایران

اربعین؛ مقدمهٔ برای زندگی نو

• مبحث اول: «زیارت اربعین تفریح یا تکلیف؟!»

« چگونه تجمع با عظمت اربعین شکل گرفته است؟ »

در موضوع اربعین ما بر سر سفره و خوان پربرکت و آمادۀ امام حسین علیه السلام نشسته ایم، یعنی بنا نیست که ما این سفره را باز کنیم یا بنیان گذاری کنیم و بنا نیست که فکر کنیم که چگونه این تجمع با عظمت را ایجاد کنیم؛ این تجمع با عظمت ایجاد شده است و جز دست الهی، عامل دیگری در شکل گیری این تجمع با عظمت نقش نداشته است. علماء محترم نجف به بنده می فرمودند: ما کاری نکرده ایم، یا ندیده ایم که قبل از آغاز این خیل عظیم پیاده روی، در حوزه، کار جدی و ترغیبی برای این حضور مردم صورت بگیرد.

از ایران اسلامی هم که دلها متحول شد و به اربعین متوجه شد، باز هم کار تبلیغات نهادهای فرهنگی-دینی نبوده است بلکه این حقیقتاً یک حرکت خودجوش معنوی در بین همه مؤمنین است؛ نه فقط مؤمنین معتقد به امامت اباعبدالله الحسین علیه السلام بلکه مؤمنین معتقد

به حریت و آزادمنشی و سیادت حسین علیه السلام در هر مذهب و مکتبی یک دل شوریده‌ای برای اربعین پیدا کرده‌اند و خود به خود این جمعیت با عظمت شکل گرفته است.

ما عامل دیگری همانند «اباعبدالله الحسین علیه السلام» برای پاکسازی روح‌ها و جان‌ها و جوامع بشری نداریم. شهید بیشترین تأثیر را در دیگران دارد، شهید به حقانیت یک راه شهادت می‌دهد. و شهیدی مثل امام حسین علیه السلام بیش از دیگر امامان ما «سفینه النجاه و مصباح الهدی» است.

« کدام اقدام فرهنگی موثرتر و کم‌هزینه‌تر از اربعین؟! »

هر کسی می‌خواهد در این مرز و بوم یا هر جای دنیا کار فرهنگی انجام دهد، اول باید سرمایه‌اش را برای مؤثرترین عامل، برنامه‌ریزی کند، و بعد به حسب ضرورت برای امور دیگر هم هزینه کند و طبیعتاً مؤثرترین عامل، خود اباعبدالله الحسین علیه السلام است. هزاران منبر، مسجد، اقدام فرهنگی، فیلم سینمایی و حرکت خوب فرهنگی وجود دارد، ولی ما در آخرش به دنبال چه هستیم؟ آخرش باید به این نقطه برسیم که فرمود: «إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ»^۱ مسلماً اباعبدالله الحسین علیه السلام با کمترین هزینه و کمتر از همه این فعالیت‌ها از نظر هزینه مادی و زمانی، می‌تواند تأثیرات عمیق‌تر و ماندگارتر و اصیل‌تری در روح انسان‌ها باقی بگذارد.

ما بر سر این سفره آماده نشسته‌ایم و می‌خواهیم بهره‌برداری خودمان را بیشتر کنیم. مسلماً معرفت و نیت ما امکان بهره‌برداری ما را افزایش خواهد داد و فواید این سفر را برای ما بیشتر خواهد کرد و برکاتش را برای جهان اسلام، بلکه جهان بشریت بیشتر نازل خواهد کرد. در اینجا



می‌خواهم نکاتی را عرض کنم که این نکات بتوانند به بهره‌وری ما-از سفر اربعین- کمک کنند و برکت کار ما را افزایش دهند.

«سفر اربعین را «وظیفه» بدانیم نه صرفاً سفری برای «حال خوش معنوی»

اولین مفهومی که-در ارتباط با زیارت ابا عبدالله الحسین (علیه السلام)- باید در ذهن و دل ما جا بگیرد این است که «این وظیفه ماست» همان طور که یک مؤمن در روز عاشورا احساس وظیفه می‌کند که برای امام حسین (علیه السلام) عزاداری کند، بدون اینکه در رساله‌های عملیه به طرز خاصی بر او واجب کرده باشند. البته این زیارت را به شیوه حج، واجب نکرده‌اند و این هم یک اسراری دارد. گذاشته‌اند خود مؤمنین این وظیفه را بفهمند.

امام صادق (علیه السلام) به یکی از دوستان خود فرمود: «من شنیده‌ام برخی از مؤمنین هستند که دو سه سال بر آنها گذشته ولی به کربلا و زیارت امام حسین (علیه السلام) نرفته‌اند.- حضرت طوری این سؤال را مطرح کردند که انگار معنایش این است: مگر می‌شود یک چنین افرادی هم باشند؟! در حالی که حضرت خودشان خبر داشتند که وضعیت چگونه است- آن شخص پاسخ داد: آقا جان! خیلی‌ها هستند که این‌گونه هستند. حضرت فرمود: این افراد در روز قیامت چگونه می‌خواهند جواب پیامبر (صلی الله علیه و آله) را بدهند؟! یَا عَلِیُّ! بَلَّغْنِی اَنَّ قَوْمًا مِنْ شِیعَتِنَا یَمُرُّ بِأَحَدِهِمُ السَّنَةُ وَ السَّنَتَانِ لَا یَزُورُونَ الْحُسَیْنَ؟ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ اِنِّی اَعْرِفُ اُنَاسًا کَثِیْرَةً بِهَذِهِ الصِّفَةِ. قَالَ اَمَّا وَ اللّٰهِ لِحَظِّهِمْ اَخْطَاوْا وَ عَنْ ثَوَابِ اللّٰهِ زَاغُوا وَ عَنْ جَوَارِ مُحَمَّدٍ ص تَبَاعَدُوا..... اَمَّا اِنَّهٗ مَا لَهُ عِنْدَ اللّٰهِ مِنْ عُذْرِ وَ لَا عِنْدَ رَسُوْلِهِ مِنْ عُذْرِ یَوْمِ الْقِیَامَةِ»^(۱)

« طبق روایت، فقرا لا اقل سالی یک بار باید کربلا بروند

متأسفانه هنوز برخی می‌گویند: «کربلا را باید با دلت بروی!» یعنی اگر دلت حال و هوای سفر داشت، عزم سفر کنی! در حالی که ما چنین روایتی نداریم. بله؛ در روایات هست که وقتی به حرم رفتی، زیاد در آنجا نمان بلکه هر مقدار که توانستی بانشاط در حرم باشی، کافی است و زود برگرد. ولی اعلام کرده‌اند: «فقرا لا اقل سالی یک بار بروند و ثروتمندان لا اقل سالی دو بار بروند؛ حَقُّ عَلَى الْغَنِيِّ أَنْ يَأْتِيَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ ع فِي السَّنَةِ مَرَّتَيْنِ وَ حَقُّ عَلَى الْفَقِيرِ أَنْ يَأْتِيَهُ فِي السَّنَةِ مَرَّةً»^۱ و همچنین فرمودند: «غیبت ما (نرفتن به کربلا) از سه سال نباید بیشتر باشد؛ أَمَّا الْقَرِيبُ فَلَا أَقْلَ مِنْ شَهْرٍ وَ أَمَّا بَعِيدُ الدَّارِ فَفِي كُلِّ ثَلَاثِ سِنِينَ فَمَا جَاَزَ الثَّلَاثَ سِنِينَ فَقَدْ عَقَّ رَسُولُ اللَّهِ ص وَ قَطَعَ رَحِمَهُ إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ»^۲ در حالی که اصلاً درباره حج، چنین مواردی نیست. و اگر شما یک بار به حج مشرف شوید، وظیفه خود را انجام داده‌اید.

ضرورت زیارت امام حسین (علیه السلام) قطعاً از عمره بیشتر است و بر آن شرافت دارد. حج هم یک وظیفه‌ای است که هر کسی در عمرش یک بار انجام دهد، کفایت می‌کند و در مقایسه با همین حج واجب هم زیارت امام حسین (علیه السلام) ثواب برتری دارد. امام صادق (علیه السلام) فرمود: مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ ع كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَجَّةً وَ عُمْرَةً»^۳ اینها از مسلماتی است که در روایات ما فراوان ذکر شده است.

۱. کامل الزیارات، ص ۲۹۳ و تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۴۳.

۲. کامل الزیارات، ص ۲۹۷.

۳. همان، ص ۱۸۵.



« احساس تکلیف مغایرتی با شوق ندارد

ما باید نسبت به زیارت کربلا، احساس وظیفه کنیم. درست است که این حرکت با «اشتیاق» شروع شده است، ولی باید با «احساس تکلیف» ادامه پیدا کند. و این احساس تکلیف هم مغایرتی با شوق ندارد، بلکه باز هم این شوق و محبت به اهل بیت علیهم السلام بیشتر خواهد شد. کسی فکر نکند وقتی از «تکلیف» سخن می‌گوییم، این تکلیف با عاشقی و محبتی که به اهل بیت علیهم السلام داریم، مغایرت دارد. یقیناً کسی که از سر تکلیف به این زیارت برود و بگوید: «یا ابا عبدالله! این وظیفه من بوده که به اینجا بیایم» چنین کسی، نور بیشتری کسب خواهد کرد.

« چرا زیارت کربلا در اربعین اولویت دارد؟

آیا انجام این وظیفه، یعنی رفتن به زیارت کربلا، باید در اربعین باشد؟ به دو دلیل، اربعین اولویت دارد. یکی به دلیل روایت شریف امام حسن عسکری علیه السلام که زیارت اربعین را یکی از پنج علامت مؤمن بیان فرموده‌اند: «عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ... وَ زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ»^۱ و دیگری به دلیل «تجمع مؤمنین».

اگر سفارش امام حسن عسکری علیه السلام برای اربعین نبود، مسلماً به دلیل دیگری احساس وظیفه می‌کردیم و آن هم تجمع مؤمنین است. آدم احساس وظیفه می‌کند که «من هم بروم یک نقطه‌ای از این سیاهی لشکر امام حسین علیه السلام و امام زمان علیه السلام بشوم» بالاخره عقل ما هم این را حکم می‌کند. وقتی مؤمنین برای یک امر مهمی همت کردند، تقویت آن تجمع یک وظیفه است. یعنی می‌گوییم: «یا ابا عبدالله! به این جمعیت

۱. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۵۲.

می پیوندم تا من هم یک قدمی برداشته باشم، حالا که همه آمده اند، چرا من نباشم؟!» لذا یک دفعه ای این احساس وظیفه، فراگیر می شود.

« چگونه اربعین به صلح جهانی کمک می کند؟ »

جدای از وظیفه فردی که پای ما را به اربعین باز می کند و به آن پایبند می کند؛ ما یک وظیفه جهانی داریم. من اگر می توانم با شرکت کردن در اربعین به صلح جهانی کمک کنم، به ظهور و تحقق عدالت کمک کنم - آن هم با حضور در یک تظاهرات چند ده میلیونی - چرا این کار را انجام ندهم؟! عقل به انسان می گوید این کار واجب است، عقل به انسان می گوید که هر چقدر عاطفه و انسان دوستی و دوراندیشی و جهان نگرانی داری، در این تظاهرات شرکت کن. امام حسین علیه السلام پرچم و نماد و عماد دین ماست، ما داریم با یک «مظلوم» کار را پیش می بریم.

ما نباید فکر کنیم که حضور ما در اربعین، صرفاً یک وظیفه عبادی شخصی است. بلکه یک وظیفه انسانی جهانی است. سال ها علیه اسلام تبلیغ کرده اند، یقیناً ما با هیچ فیلم سینمایی ارزشمندی، کاری که در اربعین می شود را نمی توانیم انجام دهیم (و این اثر را ندارد) اما جهانیان وقتی حضور میلیونی ما در اربعین را می بینند، می گویند: این کیست که مردم این طوری به خاطرش ایثار می کنند؟

ما بر اساس یک وظیفه انسانی و جهانی برای برقراری صلح در عالم، برای تبلیغ اسلام ناب و برای مقابله با ستمی که در منطقه برای تخریب اسلام انجام می دهند، وظیفه داریم در این راهپیمایی اربعین شرکت کنیم. ما برای قدرت دادن به اسلام، وظیفه داریم در این راهپیمایی شرکت کنیم؛ اینها وظایف عقلانی ماست. آیا مگر در رساله عملیه نوشته که تظاهرات ۲۲ بهمن واجب است؟! ننوشته اند، اما علماء و مردم



احساس وظیفه می‌کنند و در این راهپیمایی شرکت می‌کنند.

« آداب سفر زیارت کربلا »

اگر بخواهیم از تمام آثار زیارت اربعین بهره مند بشویم باید آداب زیارت را هم رعایت کنیم. آداب عجیبی برای این سفر نورانی برشمرده‌اند. کسی نزد امام صادق علیه السلام آمد و گفت: «وقتی که ما خارج می‌شویم تا به زیارت جدّ شما امام حسین علیه السلام برویم، آیا ما در حجّ به سر می‌بریم؟ آیا این کاری که انجام می‌دهیم، شبیه کاری است که برای حجّ انجام می‌دهیم؟ حضرت فرمود: بله؛ قُلْتُ لَهُ إِذَا خَرَجْنَا إِلَى أَبِيكَ أَفَكُنَّا فِي حَجٍّ قَالَ بَلَى^۱ گفت: «آیا بر ما لازم است، هر چیزی که بر حاجی لازم است؟ حضرت پرسیدند: درباره چه مسائلی؟ گفت: از آن اموری که -عموماً- بر حاجی لازم است که رعایت کند؛ قُلْتُ فَيَلْزَمُنَا مَا يَلْزَمُ الْحَاجَّ قَالَ مِنْ مَا ذَا قُلْتُ مِنَ الْأَشْيَاءِ الَّتِي يَلْزَمُ الْحَاجَّ^۲»

حضرت فرمودند: بله همین‌طور است و بعد هم مواردش را برشمردند و فرمودند: «خوب همراهی کردن و مهربان بودن با همراهان بر تو لازم است. همچنین بر تو لازم است که حرف نزن مگر حرفِ خوب و لازم. بر تو لازم است که ذکر خدا را زیاد بگویی، بر تو لازم است که لباس خوب و پاکیزه باشد. بر تو لازم است، نماز زیاد بخوانی و درود و صلوات بفرستی. و بر تو لازم است که چشمت را ببندی و اگر کسی حاجتی داشت، حاجتش را برآورده کنی و با برادران دینی خودت مواسات داشته باشی؛ قَالَ يَلْزَمُكَ حُسْنُ الصَّحَابَةِ لِمَنْ يَصْحَبُكَ وَ يَلْزَمُكَ قِلَّةُ الْكَلَامِ إِلَّا بِخَيْرٍ وَ يَلْزَمُكَ كَثْرَةُ ذِكْرِ اللَّهِ وَ يَلْزَمُكَ نِظَافَةُ الثِّيَابِ وَ يَلْزَمُكَ الْغُسْلُ قَبْلَ أَنْ تَأْتِيَ

۱. کامل‌الزیارات، ص ۱۳۱.

۲. همان.

الْحَائِرُ وَ يَلْزُمَكَ الْخُشُوعُ وَ كَثْرَةُ الصَّلَاةِ وَ الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ يَلْزُمَكَ التَّوْقِيرُ لِأَخْذِ مَا لَيْسَ لَكَ وَ يَلْزُمَكَ أَنْ تَغْضَّ بَصْرَكَ وَ يَلْزُمَكَ أَنْ تَعُودَ إِلَى أَهْلِ الْحَاجَةِ مِنْ إِخْوَانِكَ إِذَا رَأَيْتَ مُنْقَطِعاً وَ الْمَوَاسَاةُ^۱ خوش به سعادت کسانی که در این مسیر، به خدمت کردن به زائرین اباعبدالله الحسین علیه السلام می پردازند.

« امساک در خوردن و روزه گرفتن

در روایات دیگر هم- دربارهٔ آداب زیارت و مسیر کربلا- این موارد ذکر شده است: خشوع و تواضع به خرج دادن، کرامت نفس داشتن و پرهیز کردن از اینکه در بهره برداری از این ضیافت گسترده، زیاده روی شود. یک مقدار امساک در خوردن، جزء آداب این مسیر است. کمک به همسفرمان فقیر نیز جزء آداب این سفر است. همچنین امام صادق علیه السلام توصیه فرموده است که قبل از اینکه بخواهی از خانهٔ خودت به قصد کربلا عزیمت کنی، روز چهارشنبه و پنج شنبه و جمعه را روزه بگیر؛ إِذَا أَرَدْتَ الْمَسِيرَ إِلَى قَبْرِ الْحُسَيْنِ ع فَصُمْ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ وَ الْخَمِيسِ وَ الْجُمُعَةِ ... وَ أَقِلَّ مِنَ الْكَلَامِ وَ الْمِرَاحِ وَ أَكْثِرْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ تَعَالَى وَ إِيَّاكَ وَ الْمِرَاحِ وَ الْخُصُومَةِ^۲ این را به کسانی که عزم سفر کربلا دارند بگویند که امام صادق علیه السلام توصیه فرموده است سه روز روزه بگیرد و بعد حرکت کنید.

۱. همان.

۲. کامل الزیارات، ص ۲۲۳-۲۲۵.



« انتخاب محل مناسبی برای بدرقه و آغاز حرکت اتوبوس‌های زائرین

اینکه مؤمنین برای بدرقهٔ یک زائر کربلا جمع می‌شوند، در واقع توصیهٔ امام صادق علیه السلام است که فرمود: «فَإِذَا أَرَدْتَ الْخُرُوجَ فَاجْمَعْ أَهْلَكَ وَوُلْدَكَ»^(۱) این یک سفر عادی نیست که اتوبوس مربوطه در ترمینال و در کنار اتوبوس‌های دیگر حرکت کند. بلکه خوب است هماهنگ کنند تا اتوبوس زائرین کربلا- مثلاً در روز جمعه- به فلان جا بیاید و از همانجا زائرین را سوار کند. و بدرقه کنندگان هم بیایند و خداحافظی کنند و کسانی که التماس دعا دارند هم بدانند که در این روزها و ساعت‌های مشخص، تعداد زیادی زائر به سمت کربلا حرکت می‌کنند و لذا می‌توانند بیایند و آنجا التماس دعا بگویند.

« ترک شوخی نابه‌جا و خصومت

حضرت در ادامهٔ روایت فوق موارد دیگری از آداب زیارت کربلا را ذکر می‌کنند که خلاصه‌اش این است که زینت نکنید، یعنی در این سفر، به صورت تجملی حرکت نکنید، البته تمیزی و نظافت باید رعایت شود، ولی تجمل نباشد؛ این نظافت هم در آداب زیارت کربلا تصریح شده است. و بعد می‌فرماید: «وَأَقَلُّ مِنَ الْكَلَامِ وَالْمِرَاحِ وَأَكْثَرُ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ تَعَالَى وَإِيَّاكَ وَالْمِرَاحِ وَالْخُصُومَةِ»^(۲) شوخی کردن نابه‌جا هم صحیح نیست؛ البته به‌طور کلی خوش‌مشرب بودن خوب است، ولی شوخی نابه‌جا و خصومت باید ترک شود.

۱. کامل‌الزیارات، ص ۲۲۳.

۲. کامل‌الزیارات، ص ۲۲۵.

ما به دنبال این هستیم که این زیارت اربعین، برای ما یک فرهنگ زیارت به ارمان بیاورد. ما باید فرهنگ زیارت و به‌ویژه فرهنگ زیارت اربعین را بنیان‌گذاری کنیم. البته مقداری از آن، خودش شکل گرفته و کم‌مقدارش را هم خودمان باید شکل دهیم.

«چه اشکالی دارد چند کلمه صمیمانه عراقی یاد بگیرید و در برخورد با آنها بیان کنید؟!»

یکی از موب‌داران محترم و شریف عراقی می‌گفت: من قبلاً با ایرانی‌ها خوب نبودم. حتی وقتی ایرانی‌ها با کاروان‌هایی برای زیارت عتبات به عراق می‌آمدند، و من آنها را می‌دیدم، هنوز دلم صاف نشده بود. تا اینکه این پیاده‌روی اربعین پیش آمد. وقتی ایرانی‌ها را در مسیر پیاده‌روی اربعین دیدم، خیلی به آنها علاقه پیدا کردم؛ دیدم اینها چقدر خاکی و مهربان هستند، اینها هم مثل خود ما رفتار می‌کنند.

دقت کنید که بالاخره در مسیر این پیاده‌روی، مردم (عراقی‌ها) دارند به رفتارهای ما نگاه می‌کنند. چه اشکالی دارد که چند تا کلمه صمیمانه عراقی یاد بگیرید و در برخورد با آنها بیان کنید؟! این کار محبت‌ها را تقویت می‌کند. گاهی آدم دوست دارد خم شود و دست آن فرد عراقی دلسوز و بامحبتی که به زائرین اباعبدالله الحسین (ع) غذا تعارف می‌کند را ببوسد. البته فرهنگ کشورها با هم فرق می‌کند. شاید در ایران اولین کاری که ما برای ابراز محبت انجام می‌دهیم، لب‌خند باشد. ولی آنها اولین کاری که انجام می‌دهند، کلمات بسیار محبت‌آمیزی است که به شما می‌گویند، ولی لب‌خند روی زبانشان نیست، لذا اگر معنای آن کلمات را ندانید، فکر می‌کنید که آنها هنوز شما را تحویل نگرفته‌اند.



آن موکب دار عراقی می‌گفت: «من در اربعین احساس بهتری-نسبت به ایرانی‌ها- پیدا کردم و الان عاشق ایرانی‌ها شده‌ام!» ایشان کلمات محبت‌آمیزی دربارهٔ ایرانی‌ها به کار می‌برد، ولی نمی‌توانست توضیح دهد که چرا این اتفاق برایش افتاده است؟ می‌گفت: «من می‌دیدم که ایرانی جماعت، به اینجا آمده است دارد پیاده راه می‌رود، و در این راه خسته می‌شود؛ برخی با سختی و برخی هم با زن و بچه آمده‌اند...»

« در آخرالزمان این ارتباط قوی عاطفی بین مؤمنین، باید دیده شود »

مهمترین دریافتی که مردم خونگرم عراق-که این بنیان عظیم پیاده‌روی اربعین را به حق پی‌ریزی کرده‌اند و ما داریم از آنها پیروی می‌کنیم و پا، جای پای آنها می‌گذاریم- مهمترین دریافتی که مردم عراق باید از ما پیدا کنند، محبت بی‌نظیری است که ما به آنها داریم و باید این محبت را ابراز کنیم. وصف یاران امام زمان علیه السلام طبق آیه قرآن این‌گونه است که می‌فرماید: «مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ»^۱ در اینجا اول می‌فرماید که آنها نسبت به دیگر مؤمنین، فروتن و مهربان هستند و خاکسارانه برخورد می‌کنند و بعد می‌فرماید که نسبت به کافران سخت می‌گیرند.

در آخرالزمان این ارتباط قوی عاطفی بین مؤمنین، باید دیده شود. ما که می‌خواهیم به سفر اربعین برویم، باید خودمان را در ابراز محبت به برادران عراقی آماده کنیم. خدا شاهد است که این ابراز محبت، آن قدر نور تولید می‌کند و آن قدر قدرت تولید می‌کند که حد و حساب ندارد. مبادا از ابراز محبت غفلت کنیم!

« یک نوحهٔ عربی زیبا برای تشکر از صاحبان موبک هنگام خداحافظی

قدیم‌ها وقتی دستهٔ عزاداری به یک هیاتی وارد می‌شد، وقتی می‌خواست برود، می‌آمدند دم در و با نوحه‌هایی این دسته را بدرقه می‌کردند. مثلاً می‌گفتند: «سینه‌زنان شاه دین؛ خوش‌آمدید، خوش‌آمدید...» همین رفتار، یک محبت زیبایی ایجاد می‌کرد. من خواهش می‌کنم: یک نوحه‌ای به زبان عربی درست کنید که وقتی جمع شما حرکت می‌کند و به یک موبکی می‌رسد و غذا تناول می‌کند، موقع بیرون رفتن، این نوحهٔ عربی را- برای خداحافظی با صاحبان موبک- خیلی کوتاه (در حد دو بیت) بخوانید و به سینه بزنید. تصور کنید که چه صحنهٔ قشنگی خواهد شد! اشک‌شان جاری می‌شود. این برخورد با محبت و باادب واقعاً زیباست.

« اگر کسی نمی‌تواند بیاید، کمک‌ها و نذورات خودش را برای این سفر بدهد

ما باید فرهنگ‌سازی کنیم و آداب اربعین را پیاده کنیم و راه بیندازیم. این آداب مثل خط‌کشی‌های خیابان است که روابط را تنظیم می‌کند. در زمینهٔ اربعین هر کسی هر کاری از دستش بر می‌آید انجام دهد. ما در طول تاریخ اسلام، نظیر چنین جمعیت با عظمتی را نداشتیم که مصداق «وَمَنْ يُعْظِمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ»^۱ باشد. مردم را تهییج کنید و راهنمایی کنید که اگر کسی نمی‌تواند بیاید، کمک‌ها و نذورات خودش را برای این سفر بدهد. اگر خودتان هم نتوانستید به سفر اربعین بروید، بالاخره یک

خرجی برای زائران اربعین بدهید. طبق روایات کسی که خودش نمی‌تواند وظیفه‌اش را انجام دهد و به زیارت برود، اگر خرجی فرد دیگری را بدهد، ثواب زیارت را خواهد برد. و ثواب‌های بسیار عظیمی برای خرجی که در مسیر زیارت امام حسین علیه السلام داده می‌شود ذکر شده است.

« اگر روز قبل یا بعد از اربعین هم برسید، ثواب زیارت اربعین را خواهید برد »

یکی از نکاتی که در باب زیارت اربعین باید گفت این است که واقعاً علمای عراق - بنا به آنچه در میان مردم عراق به نقل از علما و حضرت آیت الله سیستانی مشهور است - به حق و به شایستگی اعلام فرموده‌اند که اگر می‌خواهید ثواب زیارت اربعین را ببرید، حتماً لازم نیست که روز اربعین بیایید. بسیاری از شیعیان عراق پنج یا هفت روز قبل از اربعین زیارت می‌کنند و برمی‌گردند. لذا اگر روز قبل و بعد از اربعین هم برسی و زیارت کنید و برگردید، هیچ ایرادی ندارد و از ثواب زیارت بهره‌مند شده‌اید.

این مقدار پراکندگی خوب است و الا در بازگشت اگر همه بخواهند همان فردای اربعین برگردند، ازدحام عجیب و غریبی ایجاد می‌شود. کاروان‌دارهای محترم از همان اول برنامه‌ریزی کنند؛ هیچ اشکالی ندارد که فردای اربعین به کربلا برسند. چون باز هم به‌طور کامل ثواب زیارت اربعین را خواهند برد و جزء آن جمعیت با عظمت به حساب خواهند آمد.

« مقید نباشید حتماً دست به ضریح برسانید »

ما ایرانی‌ها خیلی مقید هستیم که وقتی به داخل حرم مطهر می‌رویم، حتماً دست به ضریح برسانیم و شاید بخواهیم به اندازه یک زیارت امین‌الله کامل هم کنار ضریح بایستیم! اینها تقیداتی است که ما از

خودمان درست کرده‌ایم که انصافاً صحیح نیست؛ نباید کسی اذیت شود. البته معلوم است که اگر راه باز باشد، آدم جلوتر می‌رود. حتی در روایات آمده است که وقتی برای زیارت می‌روید، اگر شلوغ بود و نتوانستید زیاد جلو بروید- مثلاً اگر در داخل صحن حرم هستید- همان‌جا را ضریح مطهر به حساب بیاورد. در ایام اربعین ممکن است تا بین الحرمین بروید و دیگر نتوانید جلوتر بروید؛ لذا همان‌جا را ضریح به حساب بیاورید و گریه و عزاداری خودتان را انجام دهید و برگردید. ضمن اینکه در سفر اربعین، همان لحظه‌اول که در این مسیر نورانی قدم بر می‌دارید، واقعاً یک حس و حال دیگری است؛ حس و حالی که گاهی در خودِ بقعه مبارکه هم ممکن است برای انسان پیش نیاید.

«نوحه‌های زمان اوج اقتدار با نوحه‌های دوران مظلومیت باید فرق داشته باشد»

نکته دیگر درباره نوحه‌ها و روضه‌ها و محتوایی است که در این سفر می‌خواهیم از آنها استفاده کنیم. باید دست ذاکرین اهل بیت (علیهم‌السلام) و مادحین و شاعران را بوسه زد که در این امر شریف خدمت می‌کنند. ولی باید توجه شود بالاخره الان که برای زیارت امام حسین (علیه‌السلام) می‌رویم، باید نوحه ما با نوحه‌هایی که ۴۰-۵۰ سال پیش خوانده می‌شد- آن زمان‌هایی که آرزو داشتیم به زیارت کربلا برویم- فرق داشته باشد. ما الان که در اوج اقتدار به زیارت می‌رویم، باید نوحه‌های مان با زمانی که در اوج مظلومیت به زیارت می‌رفتیم، فرق داشته باشد.

ما دیگر الان نباید این‌طور نوحه بخوانیم که «ای امام حسین (علیه‌السلام)، من آرزو دارم به زیارت کربلا بیایم!» بلکه باید بگوییم: «ای امام حسین (علیه‌السلام)، من این وظیفه را هرگز ترک نخواهم کرد» یا نباید بگوییم: «به من توفیق

بده، یک بار به حرمت بیایم!» بلکه بگوییم: «ای امام حسین! من هر سال باید به حرمت بیایم، یک وقت این توفیق از من سلب نشود!» ادبیات اقتدار امت اسلامی و ادبیات حماسی، بیشتر باید در زیارت اربعین جاری باشد. شما این جمعیت را نگاه کنید! اگر این جمعیت شما در تاریخ اسلام بود که ذره‌ای غبار غربت به دین نمی‌نشست. ما باید ادبیات خودمان را تغییر دهیم.

« ما در این سفر باید اذن جهاد بگیریم

شما ببینید مزه و معنای اقتدار چقدر در این کلام ابوالفضل العباس علیه السلام جاری است که -در نقلی هست در روز عاشورا- به امام حسین علیه السلام عرض کرد: «سینه من از این منافقین تنگ شده است، اجازه بدهید بروم انتقام خون شهدا را بگیرم؛ قَدْ صَاقَ صَدْرِي وَ سَيِّمْتُ مِنَ الْحَيَاةِ وَأُرِيدُ أَنْ أَطْلُبَ ثَأْرِي مِنْ هَؤُلَاءِ الْمُنَافِقِينَ»^۱

ما در این سفر باید اذن جهاد بگیریم، باید برای ظهور دعا کنیم. باید برای انتقام خون امام حسین علیه السلام دعا کنیم. این اقتدار امت اسلامی باید اینجا دیده شود، تاکسانی که زیارت اربعین می‌آیند، بگویند: «حَسَّ خُوبِي پيدا کردیم، و نه تنها برای امام مظلوم اشک ریختیم، بلکه احساس اقتدار امت اسلامی در وجودمان آمد» و آن ماجرای مظلومانه حج، و آن عروج مؤمنانی که نمی‌توانستند از خودشان دفاع کنند، واقعاً جبران بشود. ما باید این را مظهر قدرت اسلام قرار بدهیم، نه مظهر ضعف جامعه اسلامی.

« در اربعین، روضه‌ها باید حماسی باشد

در اربعین باید روضه‌های مقتدرانه خواند؛ روضه‌هایی که بوی حماسه می‌دهند. مثلاً وقتی روضه حضرت رباب علیه السلام خوانده شود، اگر خواستیم زبان حال بگوییم، این طور بگوییم که حضرت رباب عرض می‌کند: «یا ابا عبدالله علیه السلام! سرت را بالا بگیر، علی اصغرم به فدای تو، اگر فرزند دیگری داشتم و علی اصغر دیگری داشتم، فدای تو می‌کردم...» اینها شبیه رجزهای مادران شهداست که الان در منطقه در همین مسیر پیاده‌وری با شما خواهند بود.

در اربعین، روضه‌ها باید حماسی باشد. شما آمده‌اید که بگویید: «یا زینب! دیگر غربت به پایان رسید» ما باید این را در روضه‌ها و نوحه‌های مان بگوییم که «غربت به پایان رسید».^۱

۱. ۱۹/۰۸/۹۴، مکان: همایش آیت‌الایمان | سالن همایش سازمان حج و زیارت، دسترسی در: «<http://panahian.ir/post/۳۴۴۵>»

• مبحث دوم: «هم دلی؛ در زیارت اربعین»



« زیارت اربعین » جرقه‌ای به انبار انرژی‌های متراکم مؤمنین

شما در باب اهمیت زیارت امام حسین علیه السلام روایات زیادی را از ائمه هدی علیهم السلام شنیده‌اید. در میان همه این روایت‌ها که انرژی متراکمی را در امت اسلامی ایجاد می‌کنند، روایت زیارت اربعین که فرمود: « یکی از علامت‌های مومن زیارت اربعین است؛ عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ... وَ زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ »^۱ مانند جرقه‌ای بود که گویی به یک انباری از این انرژی‌های متراکم اصابت کرد و در زمانی که مؤمنین راه حسین علیه السلام قدرت دفاع از خودشان را دارند، منجر به تجلی زیارت اربعین شد.

برای اینکه آن انبار مهمات یا آن انرژی متراکم برآمده از روایات و سفارشات اولیاء خدا برای زیارت امام حسین علیه السلام را بهتر بشناسیم، بنده دو روایت از میان این روایات را برای شما قرائت می‌کنم. شاید اگر این

۱. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۵۲.

روایت سال‌های پیش بیان می‌شد، یک مقدار مبالغه‌آمیز تلقی می‌شد. ولی الان باتوجه به اینکه زیارت اربعین دیگر نیازی به تبلیغات ندارد و قدرت حماسه اربعین، آثار بابرکت خودش را به نمایش گذاشته، دیگر کسی تصور نمی‌کند که این روایات را در باب تبلیغ اربعین یا تحریک مردم به حضور در پیاده‌روی اربعین یا حتی برای تبلیغ کردن زیارت امام حسین علیه السلام قرائت می‌کنیم.

« فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام بالاتر است یا شهادت؟ »

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «زیارت امام حسین علیه السلام بافضیلت‌ترین عملی است که انسان می‌تواند انجام دهد؛ إِنَّ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ عَ أَفْضَلُ مَا يَكُونُ مِنَ الْأَعْمَالِ»^۱ و در روایات دیگری این مضمون آمده است که بالای هر کار خوبی، یک کار خوبی هست، تا زمانی که فرد در راه خدا به شهادت برسد؛ فَوْقَ كُلِّ ذِي بَرٍّ بَرٌّ حَتَّى يُقْتَلَ الرَّجُلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»^۲ حالا این سؤال پیش می‌آید که فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام بالاتر است یا شهادت؟

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «وقتی زائر به زیارت حسین علیه السلام پرداخت، هنگام بازگشت، هیچ گناهی بر او باقی نمی‌ماند، و او به مقامی می‌رسد که کسی که در راه خدا به خون خود آغشته شده، به آن مقام نمی‌رسد؛ يَنْصَرِفُ وَمَا عَلَيْهِ ذَنْبٌ وَقَدْ رَفَعَ لَهُ مِنَ الدَّرَجَاتِ مَا لَا يَنَالُهُ الْمُتَشَجِّطُ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»^۳ پس طبق این روایت، کسی که به زیارت امام حسین علیه السلام برود، می‌تواند به مقامی برسد که شهید در راه خدا نمی‌تواند به آن مقام برسد؛ این ظرفیت معنوی زیارت امام حسین علیه السلام است.

۱. کامل‌الزیارات، ص ۱۴۷.

۲. کافی، ج ۲، ص ۳۴۸.

۳. کامل‌الزیارات، ص ۲۹۸.

« اجر هزار شهید از شهدای بدر را برایش می نویسند »

امام باقر علیه السلام می فرماید: « اگر مردم می دانستند که در زیارت امام حسین علیه السلام چه فضیلت ها و ارزش هایی هست، از شوق، جان می دادند و از شدت حسرت (از اینکه به زیارت نرفته اند) قالب تهی می کردند؛ لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي زِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ ع مِنَ الْفَضْلِ لَمَاتُوا شَوْقًا وَ تَقَطَّعَتْ أَنْفُسُهُمْ عَلَيْهِ حَسَرَاتٍ^(۱) از حضرت پرسیدند: در این زیارت چه فضیلت هایی هست؟ حضرت فرمود: « کسی که با شوق به زیارت حسین علیه السلام برود، هزار حج قبول شده و هزار عمره پرارزش را برایش می نویسند و اجر هزار شهید از شهدای بدر را برایش می نویسند؛ مَنْ أَتَاهُ تَشَوُّقًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَلْفَ حِجَّةٍ مُتَقَبَّلَةٍ وَأَلْفَ عُمْرَةٍ مَبْرُورَةٍ وَأَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِنْ شُهَدَاءِ بَدْرٍ^(۲) شما می دانید که تعداد شهدای بدر بسیار کم است؛ ولی اجرشان خیلی بالاست، چون در ایمان به رسول خدا صلی الله علیه و آله سبقت گرفته بودند و در اوج غربت اسلام، به دفاع از اسلام پرداخته بودند.

امام صادق علیه السلام می فرماید: « برای شما که پیاده به سمت کربلا می روید، هر قدمی که برمی دارید و می گذارید، بابت هر قدم، ثواب یک شهید که در راه خدا به خون خود آغشته شده، عنایت خواهد شد؛ فَلَكَ بِكُلِّ قَدَمٍ رَفَعْتَهَا أَوْ وَضَعْتَهَا كَثُوبٌ الْمُتَشَحِّطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ^(۳) »

۱. همان، ص ۱۴۲.

۲. همان.

۳. کامل الزیارات، ص ۲۰۷.

« چرا در روایات، ثواب زیارت حسین علیه السلام با ثواب شهادت مقایسه شده؟ »

حالا چرا باید ثواب زیارت امام حسین علیه السلام با ثواب شهادت، مقایسه شود؟ این موضوع، خیلی قابل تأمل است. نباید از کنار چنین روایاتی ساده عبور کرد.

مهمترین کارکرد اجتماعی شهادت، ایجاد امنیت برای امت اسلامی و ایجاد اقتدار برای جامعه دینی است. از سوی دیگر، حضرت امام (ره) می فرماید: «انگیزه این گریه و این اجتماع در مجالس روضه را خیال نکنید فقط این است که ما گریه کنیم برای سیدالشهدا... این مجالسها مردم را همچو مجتمع می کنند... این جنبه سیاسی این مجالس بالاتر از همه جنبه های دیگری که هست. بیخود نمی گویند ائمه ما به اینکه هر کس که بگرید، بگریاند یا صورت گریه کردن به خودش بگیرد اجرش فلان فلان است. مسئله، مسئله گریه نیست. مسئله، مسئله تباهی نیست. مسئله، مسئله سیاسی است که ائمه ما با همان دید الهی که داشتند، می خواستند که این ملت ها را با هم بسیج کنند و یکپارچه کنند از راه های مختلف. اینها را یکپارچه کنند تا آسیب پذیر نباشند»^(۱)

همچنین حضرت امام می فرماید: «همین گریه هاست که کارها را پیش برده، همین اجتماعات است که مردم را بیدار می کند»^(۲) طبق فرمایش امام، یکپارچگی ملت ها، جلوی آسیب دیدن آنها را می گیرد و این یکپارچگی را هیچ کسی مثل امام حسین علیه السلام نمی تواند ایجاد کند. حضرت امام در جای دیگری می فرماید: «این هماهنگی که در تمام

۱. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۳۲۳.

۲. همان.

ملت ما در قصه کربلا هست، این بزرگترین امر سیاسی است در دنیا. و بزرگترین امر روانی است در دنیا. تمام قلوب با هم متحد می‌شوند. اگر خوب راهش ببریم، ما برای این هماهنگی پیروز هستیم. و قدر این را باید بدانیم^۱ حضرت امام (ره) ظرفیت عزاداری امام حسین (علیه السلام) را به خوبی می‌دیدند. آن وقتی امام می‌فرماید «این اجتماعات، بزرگترین امر سیاسی در دنیاست» هنوز خبری از این تظاهرات ۲۰ میلیونی اربعین نبود، و امام، این صدها میلیون غذایی که بین زائرین اربعین توزیع می‌شود را ندیده بودند.

« امت اسلامی برای نفس کشیدن خودش نیاز به اقتدار و امنیت دارد »

ما هر کاری بخواهیم انجام دهیم، نیاز به قدرت داریم؛ نیاز به اقتدار امت اسلامی داریم. امت اسلامی قبل از اینکه بخواهد فرهنگ سازی کند، نیاز به اقتدار دارد، قبل از اینکه بخواهد اقتصاد خودش را سامان دهد، نیاز به اقتدار دارد، قبل از اینکه بخواهد تمدن عظیمی را پی‌ریزی کند، نیاز به اقتدار دارد، نمی‌شود این امت در اوج ضعف بنشیند و برای یک تمدن عظیم، اندیشه کند یا بخواهد مقدمات یک تمدن عظیم را فراهم کند.

امت اسلامی برای نفس کشیدن خودش نیاز به اقتدار و امنیت دارد، و شما الان در این منطقه مشاهده می‌کنید که چه وضعیتی وجود دارد!

۱. صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۹۹.

«اقتدار پایدار» جز با حضور مردم؛ آن هم با قلب های متحد، تحقق پیدا نمی کند

حُب امت اسلامی این اقتدار و امنیت را از کجا باید به دست بیاورد؟ بهترین نوع اقتدار و اساساً اقتدار پایدار، جز با حضور مردم؛ آن هم با قلب های متحد، تحقق پیدا نمی کند. حکومت ها هرچقدر هم مقتدر باشند، بدون مردم برای تأمین امنیت، کاری از پیش نمی برند؛ چه امنیت داخلی و چه امنیت خارجی (لِ مرزها) بدون مردم امکان ندارد. و مردم هم اگر بخواهند وارد صحنه شوند، بدون اتحاد قلبی امکان ندارد.

این مطلب را حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بسیار حکیمانه بیان فرموده اند و برای ظهور خودشان، چنین مقدمه ای را لازم دانسته اند. حضرت می فرماید: «اگر شیعیان ما- که خدا آنها را بر طاعت خودش موفق بدارد- با هم جمع شوند و قلب های شان را با هم متحد کنند برای اینکه آن عهدی که با ما دارند وفا کنند، دیگر مژده ملاقات ما به تأخیر نخواهد افتاد و دیدار ما برای آنها سرعت خواهد گرفت؛ لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَّهُمُ اللَّهُ لِطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَّا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَلَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا»^۱

«چه کسی می تواند بگوید که تجمع اربعین، علامت نزدیک شدن ظهور نیست؟»

چه کسی می تواند بگوید که تجمع اربعین، علامت نزدیک شدن ظهور نیست؟ چه کسی می تواند چنین تصور کند؟ خداوند از ما انتظار فراوان ندارد؛ البته ما کاستی های فراوانی داریم که باید درست کنیم ولی خدا

خودش باید کمک کند. اما شرط کمک خدا چیست؟ شرط اینکه خدا کارهای ما را سامان دهد و مساعدت خدا به ما برسد چیست؟ شرطش این است که ما بتوانیم این «اجْتِمَاعَ مِنَ الْقُلُوبِ»^(۱) را برای وفای به آن عهد، انجام دهیم، و شما در اربعین دقیقاً همین را می بینید.

تجمع مردم در اربعین با تجمع مردم در مترو فرق می کند! آنجا همه یک دل هستند، همه یک چیز می خواهند. هر کدام از آنها نمی خواهد منفعتی برای خودش بگیرد و برود. همه برای یک نفر و یک جریان، در آنجا جمع می شوند. در زیارت اربعین می گویند: «و نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ»^(۲) یعنی نصرت و یاری من برای شما آماده است.

« راه های سعادت ملت ها چیست؟ »

شما راه های سعادت یک ملت، راه های سعادت ملت ها و کل بشریت را- به طور مختصر- بشمارید؛ مثلاً اینکه نخبگان ملت باید افراد فهیمی باشند و طالب سعادت مردم باشند. یا اینکه نخبگان باید اهل اقدام باشند و انگیزه نجات امت خودشان را داشته باشند. توده مردم هم باید بفهمند و انگیزه اقدام داشته باشند. توده مردم- جدای از فهم- باید از فرهنگ بالایی هم برخوردار باشند تا این فرهنگ صحیح، انگیزه عمل را در مردم ایجاد کند و آن را هدایت کند.

علاوه بر موارد فوق، «برنامه خوب» هم لازم است. یک برنامه خوب اگر نباشد، نخبگان و توده ها، هر دو درجا خواهند زد و به موفقیت نخواهند رسید. علاوه بر اینها، موقعیت مناسب هم باید فراهم باشد، امکانات لازم هم باید باشد. علاوه بر اینها شما می توانید عوامل دیگری را هم به عنوان عوامل تضمین کننده سعادت یک ملت، برشمرد.

۱. همان.

۲. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۱۴.

« عدم کارآرایی عوامل سعادت یک ملت بدون «اجتماعِ مِنْ الْقُلُوبِ»

همه عوامل فوق هم اگر باشد، تا وقتی «اجتماعِ مِنْ الْقُلُوبِ» نباشد، آیا این عوامل کارآیی دارند؟! چرا ما هزاران حرف خوب را با هم یکسان می‌دانیم و برتری یک حرف خوب را نسبت به حرف‌های خوب دیگر، در نظر نمی‌گیریم؟ چرا ملت‌ها را در میان حرف‌های خوب متعدد، سرگردان می‌کنیم تا از همه حرف‌های خوب، دل‌زده بشوند؟

مهمترین عاملی که یک ملت را بدبخت می‌کند و به خاک سیاه می‌نشانند، راه‌های باطلی که آنها طی می‌کنند، نیست، بلکه فراوانی سخنان حقی است که مردم ترجیح این سخنان حق را بر یکدیگر، تشخیص ندهند.

« ستم مهلک برای انسان یا جامعه

ستم مهلک برای یک انسان و یک جامعه این است که برتری دو خیر، یا برتری دو حق نسبت به همدیگر تشخیص داده نشود. کما اینکه در روایت فرمود: «لَيْسَ الْعَاقِلُ مَنْ يَعْرِفُ الْخَيْرَ مِنَ الشَّرِّ وَلَكِنَّ الْعَاقِلَ مَنْ يَعْرِفُ خَيْرَ الشَّرِّينَ»^۱

آن چیزی که دارد موجب بدبختی افراد در جامعه ما می‌شود و موجب بدبختی یک جامعه می‌شود و در جامعه ما موجب آسیب‌های فراوان شده، حرف غلط نیست، بلکه عدم تشخیص برتری یک حرف صحیح بر حرف صحیح دیگری است که از نظر رتبه و ارزش، ذیل آن قرار می‌گیرد. اما بنده همین الان اگر بخواهم - برای مطلب فوق - مثالی بزنم، حتماً هجومه‌های فراوانی از این سوی و آن سوی، از جانب کسانی که اهل

۱. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۶.



تشخیص اولویت‌ها نیستند، آغاز خواهد شد.

«اجتماع قلوب» را به سختی می‌توان به دست آورد

من از شما سؤال می‌کنم: در بین عوامل سعادت یک ملت، کدام یک از عوامل کلیدی‌تر هستند؟ کدام یک از عوامل را به سختی می‌شود فراهم کرد؟ کدام یک از عوامل، عامل فراهم آوردنِ دیگر عوامل است؟ همان‌طور که امام زمان علیه السلام فرمود: آن عاملی که موجب نزدیک شدن ظهور می‌شود «اجتماع قلوب برای وفای به عهد» است. این عامل مهم‌تر از دیگر عوامل است؛ آورندهٔ دیگر عوامل است، تقویت‌کنندهٔ دیگر عوامل است، مؤثر قراردهندهٔ دیگر عوامل است، و دیگر عوامل، بدون این عامل، کارایی ندارند، و هیچ عامل دیگری، کارایی این عامل را ندارد. و البته این عامل به سختی می‌تواند به دست بیاید.

«اجتماع قلوب» یک حسین شهید در میان یک امت می‌خواهد که مزارش محل اجتماع دل‌ها باشد

شما این عامل را به این سادگی نمی‌توانید در بین نمازخوان‌های یک مسجد پیدا کنید؛ «اجتماع قلوب» به واسطهٔ نماز خواندن، به این سهولت به دست نمی‌آید. «اجتماع قلوب» به واسطهٔ قرآن خواندن یک گروه در کنار یکدیگر به سهولت به دست نمی‌آید. «اجتماع قلوب» یک حسین شهید در میان یک امت می‌خواهد که مزار او محل اجتماع دل‌ها باشد و زیارت‌نامه‌ای که در اوج آن بگویند: «وَنُصْرَتِي لَكُمْ مَعْدَّةٌ؛ من برای کمک کردن به شما آماده‌ام»^۱ در این صورت است که «اجتماع مِنَ الْقُلُوبِ

۱. زیارت نامه اربعین.

فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ^(۱) تحقق پیدا می‌کند.

« بسیاری از نخبگان و مسئولین جامعه اربعین را جدی نگرفته‌اند

اگر ما این موضوع را جدی می‌گرفتیم، و مسئولین فرهنگی و اقتصادی جامعه- و مسئولین جامعه در ابعاد مختلف- این عامل را جدی می‌گرفتند، الان مسیر راه آهن را در سه چهار شاخه، بین ایران و عراق، هموار کرده بودند، و مسیر رفت و آمد پیاده مردم برای میعادگاه اربعین را در اطراف کربلا، در ده‌ها جاده مخصوص پیاده‌روی، هموار کرده بودند، که چرا میلیون‌ها نفر از ایران اسلامی به سهولت در این سفر نروند و نیایند؟ مگر این سفر، یک سفر توریستی است؟!

بسیاری از نخبگان و مسئولین جامعه ما این حرف را شوخی می‌گیرند که اجتماع قلوب، در کنار کربلای امام حسین علیه السلام - که جای دیگری به این سهولت قابل تحقق نیست- عامل سعادت این ملت در همه ابعاد است. ولی این حرف را شوخی می‌گیرند!

به شما اطمینان می‌دهم که بسیاری از نخبگان ما، به قدر کافی درباره همین احادیث- که پاداش زائر حسین علیه السلام را در حد شهادت اعلام می‌فرماید- ذره‌ای اندیشه نکرده‌اند، و یا اگر اندیشیده‌اند، اندیشه آنها به جایی نرسیده است. اینها را شوخی می‌پندارند! البته همه احترام ائمه هدی علیهم السلام را حفظ می‌کنند، ولی اگر بسیاری از این افراد، مقابل این کلام امام صادق علیه السلام می‌نشستند، حتماً جزء استهزاء‌کنندگان اولیاء خدا قرار می‌گرفتند! چه کسانی اولیاء خدا را مسخره می‌کنند؟ کسانی که عقل‌شان به عمق کلام اولیاء خدا نمی‌رسد، لذا مسخره می‌کنند.

« این اجراها چه تأثیری در سرنوشت یک ملت دارد؟ »

من از مسئولین جامعه، از نخبگان و کسانی که کار در دستشان هست، تقاضا می‌کنم که از خودشان سؤال کنند: آیا این اجرهای معنوی بسیار بالایی که برای زیارت امام حسین (علیه السلام) و برای پیاده رفتن به این زیارت - در روایات - بیان شده را باور می‌کنند یا نه؟ اگر باور می‌کنند، بگویند که وقتی اجری معادل اجر شهادت برای هر قدم زائر پیاده کربلا گذاشته‌اند، این چه تأثیری در سرنوشت یک ملت دارد؟ اگر این را می‌دانند، امکانات بیشتری برای رفتن مردم به این زیارت، فراهم کنند.

اربعین موقع جمع‌آوری پول برای حل مشکلات دیگر مملکت نیست! اربعین موقع جمع‌آوری پول برای حل مشکلات دیگر مملکت نیست. مسئولین نباید اربعین را فرصتی تلقی کنند برای اینکه به طور مستقیم بخواهند عوارضی دریافت کنند؛ برای حل دیگر مشکلات! اربعین زمانی است که دولت و دلتمردان، اگر دانایی به خرج بدهند، باید برای حضور مردم یارانه پرداخت کنند. بگذارند مردم، در این سفر ساده‌تر از هر سفر دیگری، حضور پیدا کنند. نور و معرفت و برکت، از این سفر به ارمغان بیاورند و - در نتیجه آن - هزاران گرفتاری دیگر، در مملکت برطرف شود.

« اربعین فرصتی برای اندیشیدن اندیشمندان درباره آثار محبت و زیارت حسین (علیه السلام) »

آیا واقعاً زیارت اربعین، با حضور میلیونی مردم، گرفتاری‌های دیگر را برطرف می‌کند؟ اگر برطرف نمی‌کند، چرا ائمه هدی (علیهم السلام) اجری معادل اجر شهادت برای هر قدم آن، اعلام کرده‌اند؟ آیا اینها جای اندیشیدن ندارد؟

فکر می‌کنم ما هنوز نیاز داریم به اینکه درباره امام حسین علیه السلام و آثار شهادت او و محبت به او و زیارت مرقد منور او، اندیشه کنیم. بنده یک زمان و مکانی را به اندیشمندان جامعه پیشنهاد می‌کنم که درباره این موضوع بیندیشند؛ در سه روز پیاده‌روی به سوی کربلا، فرصت اندیشیدن در این باره هست. این مکان، بهترین مکان برای اندیشیدن است. در میان ناله‌ها و شور زائرین، در مسیر پیاده‌روی اربعین، بهترین فرصت‌ها برای اندیشیدن پدید می‌آید که در هیچ جای دیگری، این همه تعقل و تفکر، امکان‌پذیر نیست.

« درک برخی از معجزه‌ها، نیاز به اندیشه دارد »

ما متدینین، گاهی به معجزه هم معتقدیم؛ معجزات زیادی در اطراف ما رخ می‌دهد، مثل معجزه‌ای که در دل‌های تک تک ما-در جریان سوگواری و عزادار بودن برای امام حسین علیه السلام - اتفاق افتاده است که دیدن و درک این معجزه‌ها نیاز به اندیشه دارد. ممکن است فکر کنید که خیلی از معجزه‌ها برای عوام است؛ بله در قدیم، خیلی از معجزه‌ها برای عوام بود؛ مثل زنده کردن مردگان توسط حضرت عیسی علیه السلام. اما معجزات دین ما برای خواص و اهل اندیشه است. مثلاً اگر کسی اهل اندیشه نباشد، فرق بین قرآن و دیوان حافظ و مولوی را چطور می‌خواهد بفهمد؟! او می‌گوید: همه اینها حرف‌های خوبی زده‌اند!

درک برخی از معجزه‌ها، کار هوشمندان جامعه است. متأثر شدن از برخی معجزه‌ها، نیاز به تفکر و تعقل دارد، و بزرگ‌ترین معجزه‌ای که الان در دین ما وجود دارد، معجزه قلب‌هایی است که متأثر از حماسه عاشورا هستند؛ آن‌هم بعد از ۱۴۰۰ سال! اگر پدری بخواهد برای دختر سه‌ساله خودش گریه کند و خدا به این پدر، عمر حضرت نوح را بدهد، بعد از چند

سال اشک او- برای فرزندش - خشک خواهد شد و بیشتر نمی تواند گریه کند.

این مردمی که نه هیچ کدام پدر یا برادر یا خواهر امام حسین علیه السلام بوده اند، چرا دست از گریه کردن برای او بر نمی دارند و دست خودشان هم نیست؟ آیا این معجزه نیست؟ ما اگر در کنار حضرت موسی علیه السلام بودیم و او با عصای خودش رود نیل را می شکافت، می گفتیم: یک معجزه الهی دیده ایم! ولی آیا رود نیل مهمتر است یا قلب آدم ها؟ امام صادق علیه السلام می فرماید: «کوه ها راحت تر جابه جا می شوند تا قلب انسان؛ إِزَالَةُ الْجِبَالِ أَهْوَنُ مِنْ إِزَالَةِ قَلْبٍ عَنِ مَوْضِعِهِ»^۱

«هیچ اندیشمندی نمی تواند بگوید: این مردم را فریب داده اند که به پیاده روی اربعین می روند!»

الان شما در معرض دیدن چیزی بالاتر از شکافته شدن رود نیل هستید. این معجزه ها خرافات نیست. از اندیشمندان عالم بپرسید: «چگونه این طوری شده؟» هیچ اندیشمندی نمی تواند بگوید: «با تبلیغات این طوری شده است!» خُب اگر با تبلیغات این طوری شده، چرا آنهایی که تمام ابزار تبلیغات در دستشان هست، نمی توانند یک نمونه ای مشابه این درست کنند؟ آیا می توانند تبلیغات کنند و مردم را برای موضوع دیگری این طور بگریانند؟!

اگر این مردم را فریب داده اند که به پیاده روی اربعین رفته اند، خُب شما گروه دیگری را- در جای دیگری از دنیا- فریب دهید و ببرید، شما که اگر بتوانید حتماً این کار را انجام می دهید! اگر این مردم فریب خورده اند و به اجر آخری- به صورت خرافی- امیدوار شده اند و آمده اند صدها



میلیون غذای زائران را تأمین می‌کنند، خُب شما هم در یک مکتب و مسلک دیگری، مردم را فریب دهید که بیایند و مثلاً ده‌ها میلیون غذا بدهند و اشک بریزند و از عزاداران مَنّت بکشند که غذای آنها را تناول کنند!

« همان‌طور که قرآن معجزه است، در بخش عترت هم امام حسین علیه السلام معجزه است »

شما که با «الله اکبر» گفتن، چنین تروریست‌هایی در منطقه درست کرده‌اید، اگر می‌توانید این کار را هم انجام دهید و مردم را بفریبید و آنها را عاشقانه دورِ مزار یک کسی، جمع کنید! ولی این کار واقعاً در جای دیگر، شدنی نیست! اینجا است که این معجزه بزرگ دین ما در بخش عترت، خودش را نشان می‌دهد؛ همان‌طوری که قرآن معجزه است، در بخش عترت هم امام حسین علیه السلام معجزه بزرگ است.^(۱)

۱. علیرضا پناهیان، همایش ملی تبیین ظرفیت‌های تمدنی اربعین، دسترسی در: «<http://panahian.ir/post/۳۴۴۵>»

• مبحث سوم: «مهم ترین حرکت به سوی
ظهور»

«مهمترین حرکت هیئت‌ها در راستای ظهور، کار برای «اربعین» است»

حضرت امام (ره) تأکید می‌کردند که انقلاب ما محدود به ایران نیست و می‌فرمودند که مسئولین کشور اگر در کنار خدمت به مردم، به فکر مقدمه‌سازی برای ظهور نباشند خیانت کرده‌اند.^۱

ما هیئتی‌ها هم اگر فقط در محدوده خودمان فعالیت کنیم و به فکر مهمترین حرکت در راستای ظهور یعنی «اربعین» نباشیم، خیانت است. شما در مرحله اول، مردم را از لاک فردیت در آورده‌اید و آنها را به هیئت جذب کرده‌اید، حرکت دیگر این است که آنها را به سمت نماز جماعت می‌برید و سپس سراغ نماز جمعه می‌روید که دور نهایی و اجتماع بزرگ نماز جماعت‌های هر شهر است، اما چون به صورت «سازماندهی شده» در نماز جمعه حضور پیدا نمی‌کنیم، این نماز جمعه‌ها چندان رونق ندارد.

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۲۹.

مثلاً در شهری که ۱۰۰ مسجد دارد به جای اینکه با هویت جمعی‌شان برای نماز جمعه بیایند، ۱۰۰ نفر با هویت فردی‌شان می‌آیند.

« اردو بردن برای زیارت، خصوصاً اربعین، جزء اصلی‌ترین کارهای هیئت است »

در اربعین هم، افراد تا حد امکان نباید به صورت انفرادی بروند، بلکه باید در قالب هیئت‌ها و به صورت دسته‌جمعی به اربعین بروند. شما باید در هیئت خودتان مثلاً صدها یا ده‌ها نفر داشته باشید که با هم رفیق باشند و با هم اردو بروند، بزرگترین اردوی آنها هم شرکت در پیاده روی اربعین است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله زمانی که در مدینه بودند، مرتباً برای جهاد، اردو کشی می‌کردند، البته الان جهاد نیست اما اردو بردن برای زیارت، خصوصاً زیارت سیدالشهدا علیه السلام جزء اصلی‌ترین کارهای هیئت است؛ اردوهای زیارتی، به خصوص زیارت کربلا و به‌ویژه اربعین.

« آیا اربعین و رعایت حرمت امام حسین علیه السلام در جهان مصداق «امر جامع» نیست؟ »

خداوند متعال در آیات آخر سوره نور، می‌فرماید: «وقتی پیامبر، شما را به یک امر جامع دعوت می‌کند شما حق ندارید جای دیگری بروید و به امور دیگر مشغول بشوید. آنهایی که از امر جامع فرار می‌کنند، باید بترسند از اینکه فتنه یا بلایی ناگهانی بر سر آنها بیاید؛ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوهُ... فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»^۱

آن سالی که داعش تا نزدیک کربلا رسیده بود، نقل قولی از رهبر انقلاب در روزنامه‌ها منتشر شد مبنی بر اینکه «امسال اربعین باید شلوغ‌تر بشود» از همان روز شکست داعش در عراق و سوریه شروع شد، در آینده ثبت خواهد شد که برگزاری باشکوه اربعین، چگونه این منطقه را نجات داد و این اتحاد را ایجاد کرد، بعد از آن جریان، در سال‌های بعد دوباره خواستند اختلاف بیندازند که شهادت حاج قاسم و ابومهدی المهندس دوباره اتحاد را ایجاد کرد.

« هنر هیئتی‌ها به زحمت افتادن برای اربعین است »

در هیئت‌ها یک مقدار کمتر از عشق و محبت حرف بزنید. بعضی از ما زیادی جسارت پیدا کرده‌اند و فکر می‌کنند هر وقت که خودشان دلشان خواست باید برای زیارت کربلا بروند، این هم نوعی بی‌ادبی است، امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «فقرا سالی یک بار، و بقیه سالی دو بار باید به زیارت امام حسین علیه السلام بروند؛ حَقُّ عَلَى الْغَنِيِّ أَنْ يَأْتِيَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ ع فِي السَّنَةِ مَرَّتَيْنِ وَ حَقُّ عَلَى الْفَقِيرِ أَنْ يَأْتِيَهُ فِي السَّنَةِ مَرَّةً»^۱

درباره اربعین نباید کم گذاشت. درست است که شب قدر و عاشورا برای شما هیئتی‌ها زحمت دارد، اما اینها هنر شما نیست، وقتی که ما دستور گرفتیم، هنر این است که برای اربعین به سختی و زحمت بیفتیم. البته بعضی از هیئتی‌ها واقعاً پای کار اربعین هستند، بعضی‌ها از خود ایران پیاده‌روی را شروع می‌کنند.

« هیئتی که اربعین نرود یا برای اربعین، کاری نکند هیئت نیست »

ما هنوز در خط مقدم و در جنگ هستیم؛ اگر برای اربعین کم بگذاریم و رونق اربعین کم بشود، خطرناک است، مگر روضه، بدون اربعین می‌شود؟ هیئتی که اربعین نرود کربلا و برای اربعین، شهر را به هم نریزد هیئت نیست، احدی اربعین را در این مسیر راه نینداخت بلکه خداوند دلها را متوجه اربعین کرد؛ به این امر باید احترام بگذاریم.

همه چیز را در هیئت با عینک اربعین نگاه کنید. حتی ما باید به دولت بگوییم که ما خودمان اربعین را برگزار می‌کنیم، بیمه، تردد و... را خودمان انجام می‌دهیم، بگذارید همه کارهای اربعین، مردمی باشد.

هر پذیرایی مختصری که در اربعین انجام می‌دهید و هر خوشامدگویی به زائران و «اهلاً بکم» که شما در اربعین می‌گویید یک بمب اتم و یک نیروگاه هسته‌ای است. اباعبدالله الحسین علیه السلام در روز عاشورا به امام سجاد علیه السلام فرمود: «وَاللّٰهُ لَا يَسْكُنُ دِمِي حَتَّى يَبْعَثَ اللّٰهُ الْمَهْدِيَّ»^۱ تا روزی که امام زمان مبعوث می‌شود، باید رونق امام حسین علیه السلام بیشتر و بیشتر بشود.

« نقش هیئت‌ها در رونق اربعین چیست؟ »

ما باید امام حسین علیه السلام را به جهان معرفی کنیم و راهی بجز اربعین نداریم، نقش هیئت‌ها در رونق اربعین چیست؟ مثلاً شما هیئت‌ها می‌توانید برخی از جوانان، زوج‌های جوان، خانواده‌های با فرزند بیشتر و... را در ماه محرم ثبت نام کنید و رایگان برای اربعین ببرید.

۱. مناقب، ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۸۵.



دوستان من! اگر به خاطر گرمای تابستان یا کمبود امکانات، برای اربعین کم بگذاریم خیانت کرده‌ایم، معلوم است که اهمیت اربعین با هیئت‌های ما قابل مقایسه نیست، ما در سوره حجرات، ادب یاد گرفتیم، می‌فرماید: «کسی که نسبت به پیامبر ﷺ ادب را رعایت نکند، نتیجه‌اش حبس عمل است؛ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ»^(۱) ما باید نسبت به اباعبدالله الحسین (علیه السلام) ادب داشته باشیم، یکی از وجوه رعایت ادب هم این است که دل بخواهی به زیارت کربلا نرویم، یعنی این طور نباشد که هر وقت دلمان خواست برویم و هروقت حال نداشتیم، نرویم.^(۲)

« الان با اربعین داریم امتحان می‌شویم »

در زیارت جامعه فرازی هست که درباره اهل بیت (علیهم السلام) می‌فرماید «والباب المبتلی به الناس»^(۳) در خانه اهل بیت (علیهم السلام)، جایی نیست که فقط حاجت بدهد و انسان برود توسل پیدا کند و تبرک بجوید، بلکه اینجا، دری است که انسان با آن امتحان می‌شود، یعنی ما در موقعیت‌های مختلف، با اهل بیت (علیهم السلام) امتحان می‌شویم.

مردم کوفه با اباعبدالله الحسین (علیه السلام) امتحان شدند، با امام حسن مجتبی (علیه السلام) امتحان شدند، با امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) امتحان شدند و ما الان با اربعین داریم امتحان می‌شویم. هرکسی هر چقدر بتواند برای اربعین اباعبدالله الحسین (علیه السلام) مایه بگذارد از این امتحان روسفید بیرون خواهد آمد.

۱. حجرات، ۲.

۲. علیرضا پناهیان، همایش مدیران هیئت رزمندگان اسلام سراسر کشور در قم، دسترسی در: «<http://panahian.ir/post/۷۷۳۰>»

۳. زیارت جامعه

« ما نسبت به اربعین فقط «شوق» نداریم، بلکه «خوف» هم داریم

ما نسبت به اربعین فقط «شوق» نداریم، بلکه «خوف» هم داریم؛ خوفِ اینکه مبدا کم بگذاریم، خوفِ اینکه مبدا قدر این نعمت با عظمت را ندانیم و نتوانیم شکرش را بجا بیاوریم. خوف و شوق همیشه باید باهم باشد.

ما دربارهٔ اربعین فقط به عشق حضرت، به زیارت نمی‌رویم بلکه خوف از این داریم که مبدا به خاطر کم توجهی ما، به محضر حضرت، بی ادبی بشود. ما برای رفتن، احساس تکلیف می‌کنیم. ائمه هدی علیهم‌السلام فرموده‌اند: «هرکسی لا اقل سالی یک بار باید به زیارت ابا عبد الله الحسین علیه‌السلام برود و اگر توان مالی دارد، سالی دو بار برود؛ حَقُّ عَلَيَّ الْعَنِيِّ أَنْ يَأْتِيَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ ع فِي السَّنَةِ مَرَّتَيْنِ وَ حَقُّ عَلَى الْفَقِيرِ أَنْ يَأْتِيَهُ فِي السَّنَةِ مَرَّةً»^(۱) امام صادق علیه‌السلام هشدار می‌دهند که مبدا سه سال بر کسی بگذرد و به زیارت ابا عبد الله الحسین علیه‌السلام نرفته باشد. (أَمَّا الْقَرِيبُ فَلَا أَقْلَ مِنْ شَهْرٍ وَ أَمَّا بَعِيدُ الدَّارِ فَفِي كُلِّ ثَلَاثِ سِنِينَ فَمَا جَاَزَ الثَّلَاثَ سِنِينَ فَقَدْ عَقَى رَسُولَ اللَّهِ ص وَ قَطَعَ رَحْمَهُ إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ)^(۲)

« اربعین واجب نیست اما محل امتحان ماست؛ مثل امتحان اصحاب در شب عاشورا

انشاء الله همه این سفر را به عنوان یک سفر ضروری تلقی کنند و امکاناتش را هم خیرین فراهم کنند، هم دولت. دولت هرچقدر به زیارت

۱. کامل الزیارات، ص ۲۹۳.

۲. همان، ص ۲۹۷.



اربعین و زائران اربعین خدمت کند، به نفع مملکت و به نفع محرومین است و این خدمت هم برکتی برای دیگر اقداماتش خواهد بود.

وای بر دولتمردی که نسبت به اربعین بی تفاوت باشد، ما امروز داریم با اربعین امتحان می‌شویم «البابُ المُبْتَلی به النَّاسِ» این امتحان را جدی بگیریم. امتحان لزوماً آن کاری نیست که بر ما واجب کنند و ببینند ما چه می‌کنیم؟ آن قسمت حساس و پُر امتیاز یک امتحان و احیاناً آن قسمت پرخطرش - اگر بی‌اعتنایی کنیم - آن قسمتی است که به ما تکلیف نکرده‌اند؛ مثل شب عاشورا که امام حسین علیه السلام به یاران خودش، تکلیف نکرد که «فردا بمانید!» ولی آنهایی که ماندند، چقدر بُردند!

«دو پیشنهاد برای ارتقاء محتوا و کیفیت اربعین»

از این مقدمه که بگذریم دو نکته دربارهٔ ارتقاء محتوا و ارتقاء کیفیت، معنویت و معرفت اربعین خدمت شما عرض کنم. اولاً حتی المقدور (همان طور که عرض کردم) هرکسی می‌خواهد به زیارت اربعین برود، بهتر است به صورت «کاروانی» برود. بنده بارها دیده‌ام که چقدر برکت دارد وقتی، کاروانی به سفر می‌روند؛ از همدیگر حمایت می‌کنند، روابط نزدیک‌تر، صمیمانه‌تر و ایثار، بین آنها باب می‌شود. مخصوصاً هیئت‌ها وقتی یک کاروانی را می‌برند، تازه هیئت شکل می‌گیرد، از حالت مراسم در می‌آید و تبدیل می‌شود به یک تشکیلات معنوی.

اینکه یک هیئتی، برای اربعین، کاروان راه نیندازد، خیلی عجیب است! وقتی امام حسین علیه السلام خودشان در اربعین، روضه گرفته‌اند، آیا این هیئت، نمی‌خواهد پرچم خودش را در روضهٔ اَباعبدالله الحسین علیه السلام به اهتزاز در بیاورد؟! اصلاً هیئت‌ها نیاز دارند برای قوام هیئت و برای اثربخشی و دوام‌شان، افراد هیئت خودشان را دور هم جمع کنند و باهمدیگر به سفر



بروند، تا باهمدیگر پیوندهای محکم‌تری پیدا بکنند، و چه سفری بهتر از این سفر اربعین! همین سفر اربعین، یک بابی می‌شود برای تعاون آنها در ابعاد مختلف زندگی و این موجب قوام پرچم هیئت خواهد شد.

« اربعین یک مسئلهٔ فرادینی و فراملی شده است »

یک کشیش مسیحی صرب، اخیراً دارد یک کتابی می‌نویسد ایشان می‌گفت که من حتماً در این کتاب حماسهٔ اربعین، مشاهدات خودم را خواهم نوشت. اصلاً مسئلهٔ اربعین، فرادینی و فراملی شده است. از آن مستندساز اروپایی پرسیدم: آیا در اروپا اجازه می‌دهند که شما تبلیغ کنید و اربعین را معرفی کنید؟ گفت: «ابداً به ما اجازه نخواهند داد!» این فرد، مسلمان نبود و هیچ عرق انقلابی خاصی هم نداشت، بلکه به عنوان یک مشاهده‌گر و یک جستجوگر به اربعین آمده بود. گفتم: چرا آنها اجازه نمی‌دهند که اربعین در جهان غرب پخش بشود؟ بالاخره یک پدیده‌ای است، مثلاً شما ببینید از این ۲۰ میلیون نفر، چطوری پذیرایی می‌شود؟ خود مردم دارند به صورت رایگان از همدیگر پذیرایی می‌کنند! صدها میلیون پرس غذای رایگان، توسط خود مردم در اینجا توزیع می‌شود...

آن مستندساز اروپایی گفت: بله، من همهٔ اینها را دیده‌ام. گفتم: پس چرا نمی‌گذارند اینها-لااقل به عنوان یک خبر جالب- پخش بشود؟ درحالی که یک جایی مثلاً کارناوالی راه می‌افتد و مردم به همدیگر گوجه فرنگی می‌زنند، این را همهٔ دنیا می‌بینند، یا مثلاً یک جایی گاوبازی می‌کنند، همهٔ دنیا می‌بینند، اما این مراسم عظیم انسانی را چرانمی‌گذارند دقیق پخش بشود و جزئیاتش را همه ببینند؟ او یک مقدار فکر کرد و گفت: «آخر اگر اینها پخش بشود، تمدن غرب سقوط می‌کند!» گفتم: چرا؟



گفت: برای اینکه آنجا همه چیز بر مبنای منفعت مالی تعریف شده است ولی اینجا همه چیز بر اساس از خودگذشتی است! و شما توانستید این را در اینجا ایجاد کنید.

« عهده های زیبا در سفر اربعین

ارتقاء کیفیت زیارت اربعین به این است که در این زیارت و به ویژه در داخل کاروان ها، رابطه مردم با همدیگر، رابطه عالی ای بشود. یکی از مؤثرترین یا مؤثرترین عامل معنوی در این سفر، همین خدمت های ایثارگرانه و بامحبتی است که دوستان عراقی برای زائرین انجام می دهند، ما همین را باید توسعه بدهیم.

هرکسی در این سفر حاضر شد، با خودش عهد کند که مهربان تر بشود و نسبت به دیگران خدمتگزار بشود، نسبت به دیگران فروتنی کند، خاک پای رفقای خودش باشد. هرکسی در این سفر حاضر شد، با خودش عهد کند که نسبت به هیچ کس ناراحت، غضبناک و عصبانی نشود. هرکسی در این سفر حاضر شد جز لبخند به روی برادر دینی خودش نزند، هرکسی در این سفر حاضر شد با خودش عهد ببندد در طول راه به دیگران کمک کند، مثلاً اگر توانست، ساک کسی را جابجا کند یا غذا خودش را به دیگری بدهد یا....

« خدمت به زائر امام حسین علیه السلام کمتر از خود زیارت نیست

ما باید این سفر را فقط سفر زیارت ابا عبد الله الحسین علیه السلام قرار ندهیم، بلکه در کنار زیارت امام حسین علیه السلام و حتی همسنگِ اهتمامی که برای زیارت داریم، این سفر را سفر خدمت به زائرین و محبت به زائرین قرار



بدهیم. وقتی شما به زائر امام حسین علیه السلام خدمت می‌کنی و محبت می‌کنی، صداقت خودت را به أباعبدالله الحسین علیه السلام نشان داده‌ای و الا سفر شما می‌رود به سمتِ یک سفر تفریحی که انگار از معنویت و معرفت لازم، برخوردار نیست.

خدمت‌کردن به سینه‌زن و زائر امام حسین علیه السلام کمتر از خودِ زیارت نیست. حضرت امام در دوران جوانی‌شان بارفقای خود به مشهد مقدس می‌آمدند، یکی از مراجع عظام تقلید می‌فرماید: امام (ره) زودتر از دیگران، از حرم برمی‌گشت، درحالی‌که ما می‌دانستیم ایشان چقدر علاقه‌مند به زیارت است، ایشان زود برمی‌گشتند و چای و صبحانه برای رفقای خود آماده می‌کردند. از ایشان می‌پرسیدیم: شما برای زیارت کم می‌ایستید! می‌فرمودند: «خدمت به زائر امام رضا علیه السلام کمتر از خود زیارت نیست» این هوشمندی یک انسان باصفا را می‌رساند.

« سفر اربعین فقط سفر زیارت نیست؛ سفر محبت و خدمت به زائرین حسین علیه السلام هم هست

ما باید رسماً اعلام کنیم که این سفر، فقط سفر زیارت أباعبدالله الحسین علیه السلام نیست، بلکه در کنار زیارت و هم‌سطح زیارت، سفر محبت به زائرین أباعبدالله الحسین علیه السلام است، سفر خدمت به زائرین أباعبدالله الحسین علیه السلام است، دنبال فرصت باشیم که در این سفر به کسی تواضع کنیم، به کسی مهربانی کنیم، دستِ درمانده‌ای را بگیریم، به کسی کمک کنیم. مثلاً اگر غذای خوشمزه‌ای بود و یک کسی آمد که احیاناً دیدیم هنوز غذا نخورده است، برایش نکه داریم و به او تعارف کنیم. اگر خودمان در کنار او گرسنگی هم کشیدیم، تحمل کنیم و به روی خودمان نیاوریم، خدا دانه‌دانه این کارهای کوچک ما را می‌بیند، ملائکه



حرم، دانه دانه اینها را ثبت می کنند.

بیاید در این امر تسریع کنیم که این حماسه اربعین، مقدمه آن تمدن بزرگ و مقدمه آن تمدن نوین اسلامی بشود. چرا یک سفر زیارتی، می تواند مقدمه تمدن عظیم اسلامی بشود؟ به خاطر ایثاری است که موکب دارها لب جاده در اهداء هستی خودشان و اموال خودشان برای زائرین انجام می دهند. این جلوه اش خیلی مهم است و الا زیارت که خیلی وقت ها صورت می گیرد! در ایام عرفه هم آنجا خیلی شلوغ می شود، اما این بساط ارتباط بین مؤمنین، جایی جز اربعین نیست. این شور امام حسین علیه السلام آمده است در خدمت رابطه مؤمنین با یگدیگر قرار گرفته است. پس بالا رفتن معرفت، معنویت و کیفیت این سفر در تقویت همین عامل کلیدی است.

« موکب داری، فرصت و زمینه بسیار خوبی برای خدمت و تقرب، فراهم می کند »

خود موکب داری هم، فرصت و زمینه بسیار خوبی است برای خدمت به همدیگر. مثلاً ۲۰ نفر یا ۵۰ نفر، از یک جایی جمع می شوند و می روند در مسیر پیاده روی اربعین، یک موکب می زنند، ارتباط خود این افراد با همدیگر غوغا می کند. چقدر زمینه تقرب را فراهم می کند، ضمن اینکه دوباره همین موکب دارها به سایر زائران هم خیلی می توانند خدمت کنند. موکب داران و هیئتی ها و کاروان داران و عموم زائرین، با هم مسابقه بگذارند در نوشتن و تدوین آئین نامه هایی که آئین مهرورزی در سفر اربعین است! این کار خیلی زیبا خواهد بود.

شما فکر کنید به اینکه در همین مسیر، خانواده ابا عبد الله الحسین علیه السلام را برده اند؛ در نهایت بی رحمی و خشونت و در نهایت رفتار غیرانسانی

با بچه‌های اَباعبدالله‌الحسین علیه السلام برخورد کرده‌اند، مثلاً وقتی غذا می‌پختند، بوی غذا به مشام بچه‌های امام حسین علیه السلام می‌رسید اما به بچه‌ها غذا نمی‌دادند! شما وقتی بغض آن دشمنان خبیث در دلتان هست، هرچه می‌توانید به کودکانِ زائران اَباعبدالله‌الحسین علیه السلام خدمت کنید؛ مخصوصاً آنهایی که خانوادگی به این سفر می‌آیند.

« اگر خانوادگی به این سفر برویم، خوب است؟ »

می‌پرسند: اگر خانوادگی به این سفر برویم، خوب است؟ بله، خیلی زیبا است که خانوادگی بروید. مخصوصاً وقتی با بچه‌های کوچک خودتان به این سفر می‌روید، تداعی‌کنندهٔ خیلی از معانی است! اَباعبدالله‌الحسین علیه السلام این سفر را خانوادگی آمدند، چرا ما خانوادگی نرویم؟ مخصوصاً با فرزند کوچک خودمان. مثلاً یک کسی دختر سه ساله‌ای داشته باشد و در این سفر حرکت کند، چقدر زیباست. البته همه باید مراقب این بچه‌ها باشند.

وقتی سفر خانوادگی هست، اگر کاروانی بروند، بهتر است. یا خانم‌ها اگر با کاروان باشند یا با خانواده باشند، یقیناً خیلی بهتر است. تنهایی سفر کردن به‌ویژه برای بانوان محترم، ممکن است زیاد صورت خوشی نداشته باشد.

بعضی از جوان‌ها این قدر شور دارند که نوزاد تازه به دنیا آمده را هم می‌آورند! طبیعتاً نباید این مشقت‌ها را به خانواده و به خود تحمیل کرد، یک وقت اگر برای بچه یا مادر، کسالتی عارض بشود، خیلی سخت است. این مسائل را باید مراقبت کرد؛ اما بقیهٔ صورت‌هایی که برای سفر خانوادگی تصور می‌شود، خیلی فوق‌العاده است.

« هر چه می توانیم این سفر را امام زمانی تر کنیم »

راه دومی که برای ارتقاء معنویت این سفر پیشنهاد می کنم، هر چه امام زمانی تر شدن این سفر پُر حماسه و مبارک است! در این سفر یاد حجة بن الحسن العسکری علیه السلام را بیشتر داشته باشیم، در این سفر خصوصاً وقتی شب ها به پیاده روی می روید در این تاریکی ها مناجات با حجة بن الحسن العسکری علیه السلام خیلی نکته زیبایی است؛ با توجه به اینکه در این سال های اخیر، یک مقدار پیاده روی شبانه هم طرفدار دارد، چون روزها آفتابی می شود و یک مقدار هوا گرم است.

خواندن دعای فرج و خواندن دعای استغاثه به حضرت ولی عصر علیه السلام بعد از هر نماز، خیلی زیبا است. بگذارید بگویند: چرا اینها وقتی نماز می خوانند، بلافاصله بلند می شوند و دعای «الهی عظم البلاء...» را می خوانند و برای فرج مولای شان دعا می کنند! چرا در این سفر همه به یاد او هستند؟

ما در زیارت اربعین می گوئیم «و نُصَرَّتْی لَکُم مُّعَدَّة» ما آمده ایم شما را کمک کنیم. این یعنی «یا بن الحسن، ما برای کمک به شما آمده ایم.» بگذارید مردم بپرسند: این سفر اربعین، سفر عزاداری برای امام حسین علیه السلام است یا سفر سوگواری برای طولانی شدن غیبت حجة بن الحسن العسکری علیه السلام است؟ در نوحه ها چقدر خوب است در این بندهایی که مردم جواب می دهند، گوشه هایی خطاب به حجة بن الحسن العسکری علیه السلام هم باشد که تمنای ظهور بشود.

« چرا خوب است مسیر پیاده‌روی اربعین را از «مسجد سهله» آغاز کنید؟

چقدر خوب است که پیاده روی را از مسجد سهله آغاز کنیم به چند دلیل: اولاً مسجد سهله سر راه اصلی و قدیمی زائران اربعین هست، راهی که به «طریق علماء» مشهور است. این همان راهی است که اهل بیت علیهم‌السلام را به کوفه آوردند! مسجد سهله، در واقع به نوعی سر راه کاروان أبوعبدالله الحسین علیهم‌السلام هم هست. برخی از علماء می‌فرمودند: از قدیم مرسوم بود که هرکسی می‌خواست پای پیاده از نجف به کربلا برود، می‌آمد به مسجد سهله دو رکعت نماز می‌خوانده- با آن همه فضیلتی که درباره نمازخواندن در مسجد سهله هست- و بعد حرکت می‌کرد به سمت کربلا.

ثانیاً مسجد سهله- با یک فاصله مختصر- تقریباً سر راه زائرین أبوعبدالله الحسین علیهم‌السلام قرار دارد، وقتی کسی بخواهد از حرم مطهر امیرالمؤمنین علیه‌السلام از طرف «صورة العشرین» به سمت کوفه بیاید، به مسجد سهله می‌رسد و بعد هم از مسجد سهله، یک جاده بسیار خوبی هست که به جاده اصلی نجف- کربلا ملحق می‌شود. لذا اگر کسی بخواهد از مسجد سهله حرکت کند، راهش چندان دورتر نمی‌شود؛ مخصوصاً اگر بخواهد از مسیر کنار رودخانه یا کنار شط برود که در این صورت، اصلاً مسجد سهله سر راه او خواهد بود.

« حیف است به نجف برویم اما در خانه امام زمان علیه‌السلام حاضر نشویم

ضمن اینکه حیف است انسان به نجف اشرف بیاید، اما در خانه امام



زمان، حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و مسجد منسوب به این وجود مقدس و نازنین، حاضر نشود. قبل از اینکه سفر خود را شروع کنید، خوب است لااقل دو رکعت از نمازهای واجب خودتان را در این مسجد شریف بخوانید و چقدر توصیه شده است که «حداقل یک نماز واجب خودتان را در مسجد سهله بخوانید»؛ این در رزق و روزی و عمر شما چقدر برکت ایجاد می‌کند، مرگ ناگهانی را از بین می‌برد و... درباره ثواب زیارت مسجد سهله و نماز خواندن در این مسجد شریف، روایات عجیبی داریم.

بعد از اینکه دو رکعت نماز صبح را خواندید، یک ناله یابن الحسن، یک دعای عهد و یک تجدید عهد با امام زمان علیه السلام بکنید و بعد حرکت خود را آغاز کنید. یک نیت امام زمانی و یک تمنایی برای ظهور داشته باشید و بعد سفر خود را آغاز کنید. همین کار اصلاً سفر کربلا را معنوی تر خواهد کرد، یعنی با توجه به حضرت حجة بن الحسن العسکری علیه السلام این سفر را ادامه بدهیم.

« در طول سفر، دائماً متوجه امام زمان تان باشید »

خیلی در این سفر، متوجه امام زمان تان باشید، بگویید «یابن الحسن، چشمم تاریک شد از بس دنبال تو گشتم و تو را ندیدم!» آنان که به محضر مولا رسیدند، دم فرو بستند و به کسی نگفتند ولی اگر بنا باشد کسی در گوشه‌ای به محضر مولای خودش برسد، یکی از بهترین مواقف همین سفر نورانی است. مگر می‌شود پدر گرامی ایشان یعنی امام حسن عسکری علیه السلام ما را برای اربعین دعوت کرده باشند، اما فرزند گرامی ایشان حضور پیدا نکنند؟ مگر می‌شود اجداد طاهری‌شان، دعوت به پیاده‌روی کرده باشند اما خود ایشان پیاده‌روی نکنند؟ مگر می‌شود این همه، مردم به عشق حضرت در این راه پیاده بروند، ولی آقا



و مولایشان حجة بن الحسن العسکری علیه السلام در میان این مردم حضور پیدا نکنند.

یا صاحب الزمان علیه السلام ما که در کربلا نبودیم حسین علیه السلام را یاری کنیم ولی الان برای تو آمده ایم، ما برای اعلام آمادگی برای انتقام خون حسین علیه السلام تو آمده ایم! «أَيْنَ الطَّالِبِ بَدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَا»^۱

یکی از شعارهای بسیار زیبا برای این سفر، همین جمله زیارت جامعه است: «مُنْتَظَرٌ لِأَمْرِكُمْ»^۲ ما منتظر امر شما هستیم. در زیارت اربعین هم می خوانیم: «و نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ» وقتی که می گوید «و نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ» درواقع دارید به امام زمان علیه السلام این را می گوید. لبیک یا حسین علیه السلام درواقع همان لبیک یا صاحب الزمان علیه السلام است؛ أبا عبد الله الحسین علیه السلام شما را حواله خواهد کرد به مهدی خودشان که «مهدی جان، اینها به عنوان یاری تو آمده اند...»

« اربعین در دل دوستان «محبت و قدرت» و در دل دشمنان «رُعب» ایجاد می کند

بگذارید این رُعب حماسه با عظمت اربعین در دل های دشمنان بنشیند. فرمود: «و نَصْرُهُ بِالرُّعْبِ»^۳ خدا امام زمان علیه السلام را با رعبی که از یارانش و رعبی که از وجود مقدسش به دل دشمنان می اندازد، پیروز خواهد کرد، لذا درگیری ها کاهش پیدا خواهد کرد و کار حضرت بهتر پیش خواهد رفت این سفر، سفری است که در دل دوستان، محبت و دل گرمی و احساس هویت و قدرت ایجاد می کند و در دل دشمنان رعب ایجاد

۱. دعای ندبه.

۲. زیارت جامعه.

۳. کافی، ج ۲، ص ۱۷.

می‌کند. این رعب را در دل دشمنان بیفکنید.

ما (زائران اربعین) همه سربازان حجة بن الحسن العسکری علیه السلام هستیم که در این راه قدم برمی‌داریم، همه خدمتگزاران در این راه، خدمتگزاران لشکر حجة بن الحسن العسکری علیه السلام هستیم، همه کسانی که غذا درست می‌کنند، درواقع دارند برای سربازان حضرت غذا درست می‌کنند، زن و مرد، کوچک و بزرگ، هرکسی در این راه آمده، به یاری مهدی فاطمه آمده است و الان دارد مستقیم یاری می‌کند، بحث آینده هم نیست؛ الان مستقیم دارد حضرت را یاری می‌کند!

چه کسی تصور می‌کرد ما بتوانیم مستقیماً سربازی کنیم و در پادگان مهدی فاطمه، قرار بگیریم. الان این بساط را فراهم کرده‌اند؛ پیر ناتوان، جوان بُرنا و کودک خردسال، همه در این پادگان هستند. وقتی خدا می‌خواهد ابواب رحمت و برکت را باز کند همین جوری رفتار می‌کند!

« در این مسیر، هرکسی با روضه آشنا هست، آشناتر می‌شود... »

در این مسیر قرار بگیرید تا هرکسی با روضه آشنا هست، آشناتر بشود، هرکسی که روحش عجیب با روضه هست روضه در جان‌ش عمیق‌تر بشود. خواهش می‌کنم در این راه قدم بردارید، ببینید اگر پذیرایی در این راه نبود، آب به شما نمی‌دادند، غذا نمی‌دادند و یک جایی برای استراحت شما نمی‌گذاشتند چقدر سخت می‌شد!

من دوست دارم در این راه برای خانواده‌ها روضه بخوانم و بگویم: خانواده‌های محترم بچه‌های خودتان را چطوری آرام می‌کنید؟ اگر بچه‌ای خسته بشود و یک دفعه‌ای بگوید «برویم خانه، دیگر خسته شدم!» چه کار می‌کنید؟ مواظب باشید بچه‌ها زیاد خسته نشوند. اگر

بچه‌تان یک وقت گفت «برویم خانه، دیگر خسته شدم» زود به او وعده بدهید و بگویید «إِنْ شَاءَ اللَّهُ به زودی می‌رویم» اگر دیدید خیلی خسته شد، حتماً ماشین سوار شوید و نگذارید بچه اذیت بشود. امان از آن لحظه‌هایی که بچه‌های حسین علیه السلام به زینب می‌گفتند «عمه جان زینب، به مدینه برگردیم...» ایشان چه جوابی می‌خواستند بدهند؟ این حرف بی‌مبنا نیست، سکینه دردانه آمد پیش بابا و صدا زد «رُدْنَا إِلَى حَرَمِ جَدِّنَا»^(۱) اول ما را برگردان مدینه، بعد برو...

• مبحث چهارم: «تمرین ظهور در زیارت
اربعین»





« اربعین یک زیارت ساده نیست

اربعین یک زیارت ساده نیست، اربعین یک روضه صرف برای سوگواری اباعبدالله الحسین علیه السلام نیست. اگرچه یک روضه ساده و یک زیارت ساده اباعبدالله الحسین علیه السلام هم از عمق راهبردی با عظمتی برخوردار هست و حضرت امام فرمودند: «آن زمانی که امامان ما برای یک قطره اشک برای امام حسین این قدر ثواب اعلام فرمودند، نقشه داشتند برای قدرت اسلام.»^(۱)

این مضمون با تعبیر مختلف در کلمات حضرت امام موجود است که اگر اهل بیت علیهم السلام این قدر ثواب را برای زیارت اباعبدالله الحسین علیه السلام و برای هرگونه ابراز ارادتی به اباعبدالله الحسین علیه السلام اعلام فرمودند، یک طرح و نقشه بوده است. یقیناً جزو همین نقشه است که امام حسن عسکری علیه السلام آن روایت مشهور را برای زیارت اربعین فرمودند: «عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ صَلَاةُ الْخَمْسِينَ وَ زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ وَ...»^(۲)

۱. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۳۴۶.

۲. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۵۲.

« تحول دل ها در اربعین

بعضی از افراد نادان، می گویند چه شده که یک دفعه ای اربعین این قدر شلوغ شده است؟ اگر آدم یک لحظه تفکر کند، می بیند که این امر طبیعی است؛ چرا که مؤمنین و ارادتمندان به اباعبدالله الحسین (علیه السلام) ده پانزده سال است که قدرت دفاع از جمعیت میلیونی خودشان را پیدا کردند. طبیعتاً وقتی این قدرت دفاع پیدا شد، امام زمان (علیه السلام) هم دل ها را متحول می کند؛ هم دل موکب دارها را، هم دل زائران پای پیاده را که به میعادگاه شیعیان جهان حضور پیدا می کنند. قبل از اینکه این قدرت پدید بیاید، معلوم است که امام زمان ارواحناله الفدا دل ها را متحول و متوجه اربعین نمی کنند؛ به این دلیل که اگر قبل از این ده پانزده سال اخیر، مردم با جمعیت میلیونی برای اربعین می آمدند، میلیونی هم در این راه، به شهادت می رسیدند، چون قدرت دفاع از خود را نداشتند.

یادمان نمی رود که هشت سال پیش، دواعش و تکفیری ها تا چند کیلومتری کربلا آمده بودند و هجوم زائران به نیروهای مقاومت قدرت بخشید. وقتی که مردم با نشان دادن کارت ملی، از همین مرز مهران عبور می کردند، چقدر موجب شد تکفیری ها تضعیف بشوند و همین آغاز انهدام داعش بشود که یک فتنه بزرگ بود.

پس چرا اربعین اخیراً (در همین ده سال اخیر) شکل گرفته است؟ به دلیل اینکه ما اخیراً قدرت امنیت بخشی به زائران میلیونی این میعادگاه بزرگ را پیدا کردیم. قبلاً که بعضی ها زائران را می گرفتند و اعدام می کردند، کمتر کسی برای زیارت اربعین می رفت. تا کمی قبل هم که دواعش می خواستند امنیت زائران را به مخاطره بیندازند، همین اربعین آنها را کنار زد. پس معلوم است چرا دل های شما در این ده سال اخیر، برای



زیارت اربعین هوایی شده است! چون این دهه دههٔ اقتدار ارادتمندان به اباعبدالله الحسین (علیه السلام) هست.

« اولین اثر اربعین، اتحاد بین دو ملت ایران و عراق است »

اما اثر اربعین چیست؟ اثر ابتدایی اش، اتحاد بین دو ملت ایران و عراق است. زیارت اربعین بین مردم ایران و عراق، پیوند زد. حضرت امام (ره) در اواسط دفاع مقدس بود که می فرمودند: بعد از جنگ، دو ملت ایران و عراق بر محور عتبات عالیات با هم متحد خواهند شد و قدرتی ایجاد خواهند کرد که دیگر به هیچ کشور و ملتی ما نیاز نداریم. (صحیفه امام/ ج ۱۶/ ص ۳۵۳) این پیش بینی حضرت امام، با زیارت های اتوبوسی و نوبه ای پدید نیامد؛ این پیوند در اربعین رخ داد که زائران ایرانی دستبوس موکبداران عراقی شده و عاشقانه از پذیرایی های آنها استفاده کرده و شرمندهٔ احسان آنها هستند. و از آن طرف، موکبداران عراقی هم با عشق به ایرانی ها خدمت می کنند.

این اتحاد و همدلی بین دو ملت، همان چیزی است که امام در دوران دفاع مقدس می فرمود که این اتحاد، بزرگ ترین قدرت را ایجاد می کند و شما می بینید که الان این قدرت دارد تولید می شود. اربعین موجب عزت و سرافرازی مردم عراق شد. موجب حفظ استقلال کشور عراق شد که ما از هر چیزی بیشتر همین را دوست داریم که ملت عراق سرافراز، استقلال کشورشان را حفظ کنند و همان قدر که ما دنبال پیشرفت ایران اسلامی هستیم، از صمیم دل همان قدر دنبال پیشرفت مردم عراق هستیم.

ما دوست داریم همسایه ای مقتدر، کشوری با پیشرفت های اساسی و مقدمه ساز ظهور حضرت ولی عصر ارواحنا له الفدا باشد. برای ما عراق سرزمین مقدس و آینده داری است، سرزمین آیندهٔ حکومت جهانی اسلام



است. معلوم است که ما نسبت به این سرزمین و مردمان این سرزمین تواضع داریم و به این مردم افتخار می‌کنیم و اربعین هم موقع این اتحاد و این افتخار است.

همین جا به مردم عراق عرض می‌کنم که ما به اربعین شما و به فرهنگ شما افتخار می‌کنیم و شما را ستایش می‌کنیم. ما این موکبداری را از شما یاد گرفتیم و در مشهد مقدس در ایام صفر و در دیگر ایام، این حرکت‌ها را انجام می‌دهیم. ما از شما تقدیر می‌کنیم برای این حرکت با عظمت. شما دارید شایستگی خودتان را برای مقدمه‌سازی پایتخت جهانی حکومت امام زمان ارواحنا له الفدا نشان می‌دهید.

« عظمت اربعین بیش از این چیزی است که در رسانه‌ها می‌بینید »

تازه اینها، ابتدای ماجرای اربعین است؛ اینها سطح رویین و اولین آثاری است که دارد دیده می‌شود. اجازه بدهید یک کمی به لایه‌های عمیق‌تر این ماجرا بپردازیم. شما منتظر نباشید که رسانه‌های بیگانه و دشمنان شما، بیایند در تربیون‌ها و برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی خودشان، برنامه‌های عادی را قطع کنند و درباره اربعین بگویند «وای چه عظمتی رخ داده! چه تحولی در جهان رخ داده! این بی‌نظیر است! نمونه‌اش قبلاً در جهان نبوده! این دارد مسیر تاریخ را تغییر می‌دهد!» معلوم است که شما این را از دشمنان‌تان نخواهید شنید و آنها این واقعیت را نمی‌گویند ولی خودشان می‌دانند که این‌گونه است.

عظمت اربعین بیش از این چیزی است که در رسانه‌ها هست؛ حتی در رسانه‌های خودمان. در رسانه‌های خودمان هم اکثراً می‌آیند به زائرین می‌گویند «چه حس و حالی دارید؟ چه حال خوشی دارید؟ چه



بهره‌ معنوی‌ ای‌ بردید؟» بسیاری از انعکاس‌ های‌ اربعین در رسانه‌ های‌ ما انعکاس‌ های‌ بسیار ضعیفی است. بعضی از خبرگزاری‌ های‌ انقلابی‌ ما، نزدیک‌ موسم‌ اربعین که می‌ شود، به‌ جای‌ اینکه به متن مثبت اربعین بپردازند، به حاشیه‌ های‌ منفی اربعین می‌ پردازند. انگار یک جورهایی تلویحاً می‌ خواهند این حرکت با عظمت را تضعیف کنند یا ناخواسته، آن را کوچک جلوه بدهند. عظمت اربعین در رسانه‌ های‌ ما ظاهر نشده است؛ در بیان و بیانیه‌ ها ظاهر نشده است. هنوز ما به عمق فرمایش رهبری عزیز که اربعین را طلیعه‌ تمدن نوین اسلامی می‌ دانند، نرسیدیم.

« اربعین رزمایش منتظران امام‌ زمان عجل‌ الله تعالی فرجه الشریف »

اربعین رزمایش منتظران امام‌ زمان ارواح‌ ناله‌ الفدا است. اربعین برای ما اثبات کرد که ظهور حضرت، امری شدنی است و با واقعیت‌ های‌ موجود جهان اسلام، قابل‌ تطبیق و قابل‌ پیش‌ بینی است. اربعین که جریان مقاومت در مقابل تکفیری‌ ها را تقویت کرد به ما اثبات کرد چه ثمراتی خواهد داشت! روضه‌ های‌ خانگی و دسته‌ های‌ عزاداری در کوچه پس‌ کوچه‌ های‌ شهرها و روستا‌ های‌ ما، انقلاب اسلامی را نتیجه داد. اربعین چه نتیجه‌ ای خواهد داشت جز ظهور آقا امام‌ زمان ارواح‌ ناله‌ الفدا؟ روضه‌ های‌ خانگی شهیدانی مثل سردار سلیمانی‌ ها را تربیت کرد، اربعین چه کسانی را تربیت خواهد کرد؟!

ما هنوز در آغاز ماجرا هستیم. اربعین رزمایش عاشقان اباعبدالله الحسین و منتظران امام‌ زمان ارواح‌ ناله‌ الفداست. اربعین رزمایش مقدمه‌ سازان ظهور است. اربعین محلّ تغذیه معرفتی و معنوی سربازان حضرت ولی‌ عصر ارواح‌ ناله‌ الفداست. کودکانی که در مسیر اربعین می‌ آیند، چه آینده‌ ای خواهند داشت؟ کودکانی که در دسته‌ های‌ عزاداری

صد نفره، دویست نفره، هزار نفره، در کوچه پس کوچه‌های شهر، میان دسته‌های عزاداری می‌آمدند، انقلاب اسلامی و دفاع مقدس و دفاع از حرم را رقم زدند. کودکانی که در اربعین حضور پیدا می‌کنند، چه آینده‌ای را رقم خواهند زد؟

«آینده اربعین کمتر از مقدمه سازی برای ظهور نیست»

خانم‌های خانه‌داری که برای نذری محلی خودشان غذا می‌پختند، انقلاب اسلامی را رقم زدند. دفاع مقدس را رقم زدند. دفاع حرم را رقم زدند و شهدای بزرگ مدافعین حرم را رقم زدند و این تحول جهانی را در مقابل استکبار جهانی رقم زدند. خانم‌های خانه‌داری که در خانه خودشان غذا می‌پزند؛ در همین ایلام، در مهران، در دهلران، در این شهرهای اطراف و نمی‌گذارند زائر پیاده روی کننده اربعین گرسنه بماند یا بخواهد برای غذا هزینه‌ای بدهد، اینها چه انقلاب جهانی‌ای را رقم خواهند زد؟! فقط خدا می‌داند ماجرا چیست! مطمئن باشید آینده اربعین کمتر از مقدمه سازی برای ظهور حضرت ولی عصر نیست. این یک بُعد ماجرا که البته نمی‌شود همه‌اش را باز کرد.

«اربعین برای جامعه ما «تمرین تحقق حکمرانی مردمی» است»

اما بُعد دیگر مسئله این است که اربعین برای جمهوری اسلامی ایران «رزمایش» یا به تعبیر دیگر، تمرین تحقق حکمرانی مردمی است. مقام معظم رهبری بارها فرموده‌اند که دولت باید ابتدا اسلامی بشود. اگر دولت بخواهد اسلامی بشود باید مردمی بشود. اگر دولت بخواهد مردمی بشود باید کوچک، مؤثر و مفید بشود. برای اینکه این امر تحقق پیدا بکند،

باید مردم به صحنه بیایند و مردم سالاری دینی تحقق پیدا کند. مقام معظم رهبری فرمودند: مردم سالاری دینی فقط به انتخابات و شرکت در رأی گیری نیست.

رئیس جمهور ما شعارشان این بود که این دولت را «دولت مردمی» قرار بدهند. رهبری عزیز فرمودند: اینکه رئیس جمهور می آیند بین مردم عالی است اما این کافی نیست. پس باید چه کار کرد؟ باید کارها بیشتر به مردم سپرده بشود. رئیس جمهور در نطق مجلس شورای اسلامی در آغاز کار یک جمله طلایی گفتند و فرمودند: انتخابات آغاز مشارکت مردم است؛ نه پایان مشارکت مردم! یعنی این طور نیست که مردم دیگر به خانه بروند و دولت بخواهد کار بکند.

« فقط دولت بخواهد کارها را به دست بگیرد، موفق نخواهد بود »

اگر فقط دولت کارها را به دست بگیرد و مردم در اداره جامعۀ نقش نداشته باشند، قطعاً دولت موفق نخواهد بود. چون وقتی قدرت، در دولت تمرکز پیدا کرد، اگر آدم های صالح هم یک خدمت هایی را انجام بدهند، بالاخره آدم های ناصالحی هستند برای اینکه نقشه بکشند تا این قدرت را به دست بگیرند، بستر رانت بازی ها و بستر مافیایها را فراهم بکنند و از آن سوء استفاده بکنند.

خوب بودن دولتمردان جمهوری اسلامی و خدمتگذار بودنشان ابداً کافی نیست. باید کار به دست مردم سپرده بشود تا امکان رانت خواری از بین برود، تا امکان شکل گیری مافیایها در بخش خصوصی از بین برود، تا امکان دعوای سیاسی بیهوده که مملکت را عقب نگه داشته از بین برود.

مردم‌سالاری و حکمرانی مردمی، همان چیزی است که ولایت می‌خواهد و الآن تنها کسی که پای آن ایستاده و دارد این علم مردم‌سالاری را جلو می‌برد تا در جزئیات تحقق پیدا بکند، شخص مقام معظم رهبری است. وقتی مردم‌سالاری دینی به معنای واقعی کلمه تحقق پیدا بکند، اصطلاحات مسخرهٔ چپ و راست از بین می‌رود و نیروهای شایسته به کار گرفته می‌شوند و دیگر کسی برای گرفتن پست‌ها طمع نخواهد داشت، چون مردم در کنار همهٔ مدیریت‌ها در همهٔ سطوح، حضور دارند، رانت‌خواری دیگر امکان نخواهد داشت و احزابی که باندهای مخوف سیاسی هستند و دنبال ولایت مطلقهٔ احزاب هستند، کمر پیشرفت کشور را نخواهند شکست.

« اربعین، تمرینی برای مردمی‌سازی ادارهٔ جامعه و مقدمه‌ای برای اصلاح امور مملکت

ما الان در این جلسهٔ اربعینی، داریم از تحول حکمرانی و از مسائل سیاسی جمهوری اسلامی صحبت می‌کنیم. این معجزهٔ بزرگ اربعین است که وقتی به عنوان یک تمرین و یک تجربهٔ مردمی‌سازی ادارهٔ جامعه، به اربعین نگاه کنید، آن وقت می‌بینید که اربعین می‌تواند مقدمه‌ای برای اصلاح امور مملکت بشود.

با توجه به نگاهی که مسئولین محترم دارند و همه عزم دارند که یک تمرین را به نمایش بگذارند. اگر کار به دست مردم سپرده بشود، با کمترین هزینه و بالاترین سلامت، بیشتر فایده هم به دست خواهد آمد و بسیاری از مشکلات حل خواهد شد.



چرا زیارت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) این همه ثواب و عظمت دارد؟ از بس که از آن، کار برمی آید! و شما خواهید دید با کمترین قانونگذاری، با کمترین نظارت، با کمترین هزینه های اضافی، چگونه میلیون ها نفر زائر راهی کربلا می شوند.

این الگو اگر محقق بشود، کل مملکت باید به همین شیوه اداره بشود! وقتی کل مملکت، به همین شیوه مردمی اداره شد، ریشه فساد کنده می شود. قوه قضائیه به تنهایی ریشه فساد را نمی تواند بکند. قوانین مجلس شورای اسلامی به تنهایی ریشه فساد را نمی تواند بکند. دولتمردان خوب هم به تنهایی ریشه فساد را نمی توانند بکنند. مگر امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نبود؟ آیا ایشان به تنهایی توانست زمینه های نفوذ دشمن را از بین ببرد؟ وقتی مردم نیامدند، کارها پیش نرفت! و امیرالمؤمنین دیگر فریادش بلند شده بود که «يَا أَشْبَاهَ الرِّجَالِ وَلَا رِجَالَ»^۱

« چگونه می شود حکمرانی را مردمی کرد؟ »

چگونه می شود حکمرانی را مردمی کرد؟ این یک معمای جهانی است، این یک معمای تاریخی است، این یک معما برای اندیشمندان علوم سیاسی در جهان است، الان اندیشمندان علوم سیاسی در جهان، اعتراف می کنند که ما به بن بست رسیده ایم. این یک سؤال بزرگ تاریخی در حیات بشر است که چگونه می شود حکمرانی را مردمی کرد؟ بیایند نگاه کنند امام حسین چه جوری الگوی مردمی سازی حکمرانی را دارد در اربعین اجرا می کند.

بیست میلیون زائر اربعین را شما ساده نگیرید! اداره کنندگان حج

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۷.

در سرزمین حجاز، پیش یکی از مراجع نجف آمده بودند، این مرجع بزرگوار به بنده می‌فرمودند که حدود شش نفر از مدیران برجسته حجاز می‌گفتند: ما سالیانه حدود سه میلیون زائر داریم. مکانشان مشخص، محدوده‌ها مشخص، خیمه‌ها در منا برقرار، لوله‌های آب و فاضلاب هم کشیده شده است، همه چیز معلوم است! از هشت کشور، متخصصینی با مسئولیت خود آن کشور، یک ستادی دارند که این کارها را اداره می‌کنند ولی آخرش هم زائران مریض می‌شوند و تعدادی هم کشته می‌دهند. شما در اربعین با بیست میلیون زائر، چه کار می‌کنید با اینکه دولت‌ها دخالت ندارند! آیا اینها ساده است؟ شما انتظار دارید این حرفها را از BBC و VOA بشنوید؟ انتظار دارید این حرف‌ها و این مطالب عمیق را از چهار تا نادان روغن فکر بشنوید؟

« عمق معنای ولایت‌مداری... »

می‌دانید چه اتفاقی دارد در جهان می‌افتد؟ عمق معنای ولایت‌مداری یعنی سپردن کار به دست مردمی که به عشق مولایشان بهترین صورت را برای بزرگ‌ترین کارها فراهم می‌کنند. ما منتظریم الگوی حکمرانی اسلامی را از استان ایلام دریافت کنیم، این الگو برود در مجلس شورای اسلامی و در دولت، ساختارهای حقوقی و ساختارهای اداری تغییر پیدا کند و ساختارهای منحوس ماکس وبری را کنار بزند.

در ساختارهای اداری می‌گویند که ما قانون را می‌گذاریم تا رفیق بازی نشود. چون اگر رفیق بازی بشود، تو رفیق‌های خودت را ترجیح می‌دهی و بقیه را حذف می‌کنی... اینها نمی‌فهمند و درواقع صورت مسئله را پاک



می‌کنند. خُب بیا بید رفیق بازی را توسعه بدهید و بگویید «همه مردم رفقای تو هستند! با همه رفیق هستی!» شما در اینجا به همه زائران خدمت می‌کنید؛ حتی آن زائری که از پاکستان آمده و می‌خواهد عبور کند به سمت کربلا برود، خاک قدمش را توتیای چشم خود می‌کنید. اصلاً یک غوغای دیگری است! شما دارید یک حرکت دانشمندانه فوق‌العاده انجام می‌دهید.

« بزرگ‌ترین قربانی تاریخ بشریت برای یک اتفاق ساده معنوی به شهادت نرسیده! »

امام حسین علیه السلام که برای یک اتفاق معنوی ساده به شهادت نرسیده است؛ امام حسین علیه السلام بزرگ‌ترین سرمایه خدا و بزرگ‌ترین قربانی تاریخ بشریت است! بزرگ‌ترین شهید همه انبیاء است! امام حسین علیه السلام برای کارهای بزرگ است نه کارهای کم و کوچک. نه اینکه فقط یک بساط روضه بیست میلیونی فراهم بکند و یک عده‌ای هم بیایند و نذری بدهند و تمام بشود! نه! ارزش خون امام حسین علیه السلام بالاتر از این حرف‌هاست و شما در این ماجرا سهیم هستید.

نقل می‌کردند که چند سال پیش، یک خانمی در ایلام، یک مرغ به دستش گرفته بود و جلوی ستاد مردمی اربعین آورده بود و گریه می‌کرد و می‌گفت: به خدا من غیر از این ندارم که برای زائران کربلا بیاورم، نگویند کم است و به درد نمی‌خورد، همین یک مرغ را از من بگیرید... ببینید، این دارد چه انقلابی را رقم می‌زند! یک خانم دکتري که می‌گفتند حجابش هم زیاد دقیق نبود، آمده بود و ماشین خودش را پراز ساندویچ کرده بود. می‌گفت: خودم دیشب تا صبح با بچه‌هایم نشستیم و این ساندویچ‌ها را درست کردیم برای زائران اربعین. خواهش می‌کنم از من بگیرید...

« چه کسی به دل‌های شما انداخته که برای خدمت زائران اربعین قیام کنید؟ »

ان شاء الله که خداوند متعال به همه شما و به مردم ایران توفیق بدهد که بیایند در این خدماتی که برای زائران اربعین انجام می‌دهید، مشارکت کنند. بگذارید یک مثال عرض کنم که البته بیشتر با مادران گرامی و بانوان محترم حاضر در جلسه تناسب دارد. شما را چه کسی به اینجا آورده است؟ چه کسی به دل‌های شما انداخته که برای خدمت زائران اربعین قیام کنید؟ چه کسی شما را جمع کرده که با همدیگر بروید یک موکب بزنید؟ زنگ بزنید این طرف و آن طرف و کمک بگیرید؟

این قصه‌ای که می‌خواهم برایتان نقل کنم، از کسانی که شاهد ماجرا بودند شنیده‌ام، و ماجرا حدوداً مربوط به چهار سال پیش است. یک گروه از جوان‌ها بودند که نه دولت و نه هیچ نهادهی آنها را وادار به فعالیت نکرده برای اربعین نکرده بود، آنها یک جریانی را در اربعین راه انداختند برای کمک به گمشدگان. به این صورت که هرکسی گم شد، با شماره ما تماس بگیرد و هر کسی هم کسی را گم کرد، با شماره ما تماس بگیرد. ما گمشده‌ها را به رفقای‌شان می‌رسانیم. یک فعالیت عظیمی انجام دادند و کارقشنگی هم هست. یک کتاب خاطره هم داشتند چاپ می‌کردند که بنده یکی از قصه‌های آن کتاب را برای شما می‌گویم.

« یا ابا الفضل، یک خدمتی هم بده من انجام بدهم... »

می‌گویند: ما اطراف حرم امام حسین علیه السلام یک دفعه‌ای مواجه شدیم با یک مادری که به شدت گریه می‌کرد و می‌گفت بچه شش ماهه خودم را گم کرده‌ام. می‌گفت: بچه‌ام را گذاشتم در بغل مادر خودم که ویلچری



بود. یک جوانی در نزدیکی کربلا به من گفت: بگذار ویلچر را من هول بدهم، برای شما سخت است. گفتم: اشکالی ندارد، او هم کمک کرد و من دنبال آن جوان و ویلچر مادرم و بچه خودم می رفتم. یک دفعه ای در ازدحام جمعیت، این جوان را گم کردم. او هم حتماً دنبال من گشته بود ولی دیگر همدیگر را پیدا نکردیم. الان دارم هلاک می شوم.

گفتم: حُب مادرت شماره تلفن ندارد؟ گفته بود: مادرم کر و لال است. اصلاً نمی تواند با کسی ارتباط برقرار کند، چه برسد به تلفن. خدایا ما یک مادر کر و لال را چطوری بین بیست میلیون نفر پیدا کنیم؟ سه روز این مادر را ما فقط دلداری می دادیم، مدام می بردیمش اطراف حرم، دو سه روز گذشت. یک بار همین جور که داشتیم او را دور حرم طواف می دادیم یک دفعه ای این خانم جیغ کشید و گفت: این مادرم است! رفتیم سمت یک ویلچر و دیدیم که مادرش آنجاست. بچه هم در بغل یک خانم عراقی بود و داشت بچه را شیر می داد.

از آن خانم عراقی پرسیدیم: شما چه کار می کنید؟ این بچه بغل شما چه کار می کند؟ گفت: من هیچ چیزی نداشتم که موکبداری کنم و از زائران ابا عبدالله الحسین علیه السلام پذیرایی کنم؛ به حرم حضرت ابا الفضل آمدم و گفتم: «یا ابا الفضل، یک خدمتی هم بده من انجام بدهم» شب خواب دیدم، ابا الفضل العباس فرمود: خانم، یک زائر شش ماهه دارم، سه روز تو باید به او خدمت کنی. از خواب بیدار شدم، می گفتم: زائر شش ماهه دیگر چیست؟ من خودم بچه شیرخواره دارم. آمدم کنار حرم ابا الفضل العباس با یک فاصله ای ایستادم. دیدم یک آقای ویلچر دستش هست و این مادر هم نشسته است و یک بچه ای دارد زار می زند. رفتم جلو، گفتم این بچه گرسنه اش است، شیر می خواهد... بچه را گرفتم



شیر دادم و آنها را به خانه بردم. در این سه روز، شب‌ها می‌آیند خانه من
استراحت می‌کنند و روزها می‌آییم اینجا بنشینیم بلکه مادرش را پیدا
کنیم. حضرت ابوالفضل که به فکر آن طفل شش ماهه هست، به فکر
همه زائران هم هست.^(۱)

۱. علیرضا پناهیان، اجتماع بزرگ خادمان اربعین در استان ایلام، دسترسی
در: «<http://panahian.ir/post/7454>»

• مبحث پنجم: «چگونه زائران اربعین، یاوران
امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می شوند؟»



« مقیاسه قیام حسینی با قیام مهدوی »

باید قیام امام حسین علیه السلام و قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را با یکدیگر مقایسه کرد تا قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را بهتر بشناسیم. حرکت مهدوی تفاوت‌هایی اساسی با حرکت حسینی دارد. یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هم از جهت رفتار، موقعیت و مسئولیت با اصحاب امام حسین علیه السلام تفاوت‌هایی دارند. این مقایسه تفاوت‌ها و تشابه‌هایی را به ما نشان می‌دهد که معرفت‌افزا و گره‌گشا است.

در قیام حسینی یاران حضرت باید در دفاع از ایشان از جان خود می‌گذشتند، اما در رکاب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ما چرا فقط از جان گذشتن نیست. شاید آدم بتواند راحت از جان بگذرد ولی گاهی ممکن است نتواند از دنیا بگذرد. شما باید پای رکاب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف حکومت کنید و اداره‌کنندگان عالم بشوید. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف فدایی‌های زیادی دارد که در راه دفاع از حضرت سختی بکشند، اما اگر حضرت به ما مقام اجتماعی



داد و مسئولیت سپرد آیا می‌توانیم انجام بدهیم؟! آیا مسئولین ما در حد و اندازه اصحاب برجسته امام‌زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف هستند یا نه؟ هر قدر اینها به اصحاب حضرت شبیه‌تر باشند همان قدر به ظهور حضرت نزدیک شده‌ایم.

قیام حسینی برای نگه داشتن نام و راه اسلام بود، ولی قیام مهدوی برای استقرار و حاکمیت اسلام است، امام حسین عجل‌الله تعالی فرجه الشریف برای حفظ حداقلی از دین قیام کرد تا این دین به نسل‌های بعد برسد ولی قیام امام‌زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف برای پاک کردن جهان از هرگونه ظلم است، پس یارانی که امام‌زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف می‌خواهد تفاوت‌هایی با یاران امام حسین عجل‌الله تعالی فرجه الشریف دارد. ما خودمان را برای شهادت آماده می‌کنیم ولی قیام مهدوی شهید نمی‌خواهد رئیس می‌خواهد.

« آیا می‌توانیم در شهرهای خودمان شبیه جاده اربعین زندگی کنیم؟ »

امام‌زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف مسئولان را از کسانی مثل موکب‌دارها و خرج‌کنندگان مسیر اربعین انتخاب می‌کنند. چه می‌شود برای اربعین از خودگذشتگی ایجاد می‌شود؟ آیا می‌توانیم در شهرهای خودمان شبیه جاده اربعین زندگی کنیم؟ ماجرا این است. چرا کسانی که در این راه پذیرایی می‌کنند، هستی خودشان را لب جاده آورده‌اند؟ قیام مهدوی از ما می‌خواهد مثل اربعین ایثارگرانه و مهربانانه زندگی کنیم. ما را به نمایشگاه اربعین آوردند ببینیم زندگی این است و کل زندگی ما باید این طوری باشد.

همسایه‌های خانه امام‌زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف در خانه خود را باز کردند، زندگی خودشان را در طبق اخلاص قرار دادند، ما باید همیشه در خانه‌های مان در زندگی عادی به روی همدیگر باز باشد، به غریبه‌ها بگویید فکر نکنند



ما اینجا فقط یک خوشگذرانی معنوی داریم، رنج پذیرش یک مسئولیت بزرگ را در دل مان احساس می‌کنیم. در راه جبهه به خودمان می‌گفتیم آیا برای شهادت آماده‌ایم یا نه؟ ولی الآن باید خودمان را برای زندگی مهدوی آماده کنیم نه شهادت حسینی.

در عاشورا اصحاب امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام گفتند اجازه بدهید خودمان را فدای شما کنیم اما امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى برای شهادت فدایی نمی‌خواهد بلکه در عرصه زندگی فدایی می‌خواهد، همان طور که عرصه اربعین فدایی لازم داشت تا اربعین شکل بگیرد. آیا میلیون‌ها زائر غذا نمی‌خواهند؟ چه کسی باید این خیمه‌ها را بنا کند و تدارک زائران را انجام بدهد؟ مگر اینها آمدند شهید بشوند؟ اینها می‌خواهند در این سفر زندگی کنند.

اربعین دارد مسئولیت بزرگی را به دوش ما می‌گذارد. بعد از اربعین کار ما تمام نیست، قصه این است که زندگی ما باید متفاوت بشود، هنوز خیلی فاصله هست. مریدان اربعینی امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى اینجا یک دوره آموزش می‌بینند و خودشان را برای ظهور آماده می‌کنند. وقتی امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى آمد مردم تمام خیابان‌ها را به جاده نجف-کربلا تبدیل می‌کنند.

« رفتار همدلانه در هنگامه ظهور »

بنابراین ماجرای اربعین که این همه تحول در نگاه و رفتار افراد ایجاد کند می‌تواند یکی از مقدمات ظهور تلقی بشود. یکی از اتفاق‌هایی که در هنگامه ظهور رخ می‌دهد، رفتار همدلانه و محبت بین مؤمنین است. امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَهُمُ اللَّهُ لِطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَّا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَ لَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا»^۱ اگر شیعیان ما قلباً با هم اجتماع کنند

و با همدلی به عهدی که بر عهده دارند وفا کنند ملاقات ما تاخیر نمی افتد و غیبت ما با سرعت پایان می یابد.

شدیدتر شدن محبت ها نسبت به همدیگر هنگام ظهور پدید می آید. در هیئت یک مقدار اجتماع قلوب شدیدتر است ولی در اربعین چنده میلیون نفر از اقوام و ملت های متعدد با عشق دور هم جمع می شوند و باب مهربانی را باز می کنند لذا اربعین می تواند علامت ظهور تلقی بشود.

« محبت بین مؤمنین در اربعین بیشتر از گذشته تشدید خواهد شد »

شما در این راه یک مامور برای حل اختلاف نمی بینید، همه با هم ایثارگرانه و فوق انصاف رفتار می کنند. محبت بین مؤمنین در اربعین بیشتر از گذشته تشدید خواهد شد. اینجا عواطف می جوشد، کسی حساب برادر دینی اش را از خودش جدا نمی کند. در اربعین دل ها بسیار به هم محبت پیدا می کند، آیا این یک تمرین نیست تا اوج محبت به همدیگر را بچشیم؟

امام کاظم علیه السلام فرمود: اختلاف اصحابم برای شما یک رحمت است. «أَنَا فَعَلْتُ ذَلِكَ بِكُمْ لَوْ اجْتَمَعْتُمْ عَلَى أَمْرٍ وَاحِدٍ لَأَخَذَ بِرِقَابِكُمْ»^(۱) من خودم کاری کردم شما با هم اختلاف نظر داشته باشید چون اگر شما با هم اتحاد داشتید دشمنان شما احساس خطر می کردند و شما را از بین می بردند. الان که می توانید از خودتان در برابر دشمنان دفاع کنید بین شما اتحاد ایجاد کردند. آیا این قدرت و اتحاد مقدمه و علامت نزدیک بودن ظهور نیست؟

۱. علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۹۵.



موکب‌هایی که از شهرهای گوناگون در اینجا هست، از مدت‌ها قبل خرج را از مردم جمع می‌کنند و با محبت و علاقه از هزاران نفر پذیرایی می‌کنند تا کسی گرسنه نمانند. در هنگامه ظهور بین مؤمنین عین برادر و خواهر محبت ایجاد می‌شود، امام کاظم علیه السلام فرمود وقتی هنگام ظهور بشود متحد و هم‌نظر کردن شیعیان برای ما کاری ندارد. در ایران و عراق اختلاف‌ها و سلیقه‌های مختلفی هست اما درباره اربعین غالباً اتحاد برقرار می‌شود. باید این همدلی را گرامی داشت. اهل بیت علیهم السلام با تحمل مصیبت‌های فراوان این همدلی را ایجاد کرده‌اند، برای همدلی بیشتر خودمان باید کاری بکنیم.

در مساجد هر شب یک روضه مختصر بخوانند و یک نفر بانی چای و قند شود، همین قصه موکب را هر شب در مسجد پای روضه امام حسین علیه السلام اجرا کنیم، چرا نباید مساجد مثل موکب‌ها گرم باشند؟! این مواکب جلوه‌گاه محبت‌اند. شیرینی پذیرایی چای و قندی که داده می‌شود محبت بین مردم را زیاد می‌کند. محبت یک هدیه الهی برای مؤمنین است: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا»^۱ اگر محبتی که در مواکب می‌بینید در مساجد نباشد باید در ایمان خودمان تردید کنیم.

اگر محبت در مساجد نباشد معلوم می‌شود در کنار ذکر قرآن آنچنان که باید ذکر عترت نیست. نماز قرآن خواندن مؤدبانه است. چون مساجد محل قرآن است باید محل عترت هم باشد، یاد امام‌زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، توسل، ذکر مصیبت و تمنا برای ظهور حضرت بشود. اگر مساجد را این طور قرار بدهیم و هر شب یک نفر موکب‌دار بشود و خرج روضه را بدهد، کم‌کم این محبت جاری می‌شود. در آخر الزمان محبت بین اصحاب

امام‌زمان عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف، محبت اعضای یک خانواده است، اهل بیت علیهم‌السلام می‌توانند بین ما محبت و اتحاد بیشتر ایجاد کنند، الان امام حسین علیه‌السلام با اربعین این محبت و اتحاد را ایجاد کرده است، بقیه این اتحاد را ما از اربعین الگو بگیریم و در زندگی خود پیاده کنیم.

« آیا توصیه‌های اخلاقی جهان را آباد کرد؟ »

آیا توصیه‌های اخلاقی جهان را آباد کرد؟ آیا انسان‌ها با این توصیه‌ها خوب شدند و ظلم و جنایت تمام شد؟ اگر توصیه‌های اخلاقی کار کرده است چرا این قدر قانون هست؟ اخلاق بشریت را نجات نداده است. اخلاق خوب است ولی در اربعین برای این که افراد نسبت به یکدیگر خوب رفتار کنند توصیه اخلاقی لازم نیست، اینجا همه به عشق امام حسین علیه‌السلام نهایت اخلاق را نسبت به هم رعایت می‌کنند، در این راه هیچ کس حاضر نیست کوچکترین ظلمی کند.

اربعین؛ پدیده بزرگ عاطفی

ببینید رفقا! هیچ موضوعی به اندازه ظهور برای مومنین پراهمیت نیست، شایسته است اربعین را برای ظهور امام‌زمان عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف مقدمه بدانیم. اربعین یک پدیده بزرگ عاطفی است، در اربعین میلیون‌ها انسان برای محبت یک شخصیت می‌آیند یعنی امام حسین علیه‌السلام. در ماجرای اربعین امام حسین علیه‌السلام تحولی اساسی در دل‌ها، رفتار و سبک زندگی مردم ایجاد کرده است، این پدیده مقدمه کدام بخش از ظهور امام‌زمان عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف است؟ همه کسانی که به امام حسین علیه‌السلام مهر می‌ورزند در زمان ظهور با شدت بیشتری به امام‌زمان عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف مهر می‌ورزند. قطعاً این شور و غوغا و این سبک زندگی توأم با ازخودگذشتگی و ایثار در اربعین، در زمان ظهور بیشتر خواهد شد.

«راز ابراز محبت به اهل بیت علیهم السلام»

علت این همه اصرار بر محبوبیت رئیس دین و جامعه، اصرار بر محبوبیت ولی خدا که ولایت جامعه را به عهده دارد و اصرار بر عشق ورزی نسبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چیست؟ اسلام بر محبت نسبت به ولی خدا استوار است، قرآن می‌فرماید: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»^۱ پاداش رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چیزی نیست جز مودت چهارده معصوم که همان امامان و رؤسای اصلی جامعه هستند. مودت محبتی است که باید علنی ابراز شود، نه این که در خانه بنشینید و بگویید من شما را دوست دارم.

اگر رئیس جامعه محبوبیت داشته باشد جامعه به سهولت اداره خواهد شد، با محبوبیت رئیس جامعه با کمترین هزینه برای نظارت و با کمترین قانونگذاری جامعه اداره می‌شود. هر قانونی می‌تواند موجب مفسده و رانت خواری بشود، بنابراین به افراد نیاز است تا از فساد مجریان قانون جلوگیری کنند. محبوبیت رئیس جامعه تنها راه برای راحت‌ترین زندگی و کم‌هزینه‌ترین صورت اداره جامعه است.

محبت به ائمه هدی یک کار خوب در کنار کارهای خوب دیگر نیست بلکه تسهیل‌کننده همه کارهای خوب است، درحالی‌که خود این محبت سخت نیست، به طوری که رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام نزد دشمنان‌شان هم محبوب بودند.

محبت رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام راحت‌ترین تکلیف است، فقط باید این محبت را نشان داد تا به یک فرهنگ و هنجار تبدیل بشود و بی‌مهری نسبت به ولی خدا در نظر افراد جامعه یک فاجعه تلقی بشود.

وقتی این محبت یک فرهنگ و ارزش بنیادین اجتماعی شد، اداره جامعه را سهل می‌کند، آن وقت به بسیاری از نهادهای نظارتی و امنیتی و تحمیل هزینه‌های هنگفت به دولت نیاز نیست.

« خود مردم خرج می‌دهند »

دولت‌ها در اربعین دخالت و مدیریت ندارند، خود مردم خرج می‌دهند، پذیرایی می‌کنند و نظم را برقرار می‌کنند. شما یک پلیس را در این راه نمی‌بینید که بخواهد بین مردم نظم برقرار کند، همه به هم کمک می‌کنند و از همدیگر حمایت می‌نمایند. اگر اداره جهان مانند اداره اربعین باشد یک دولت بسیار کوچک کافی است آن هم نه با قانون بلکه با اشاره؛ وقتی به جای قانون جامعه با اشاره اداره شود آنهایی که مشتاق‌تر، محب‌تر و عاشق‌تراند کار را انجام می‌دهند و نمی‌گذارند کاری برای بقیه روی زمین بماند.

« با قوانین اجتماعی نمی‌توان یک تظاهرات بیست میلیونی درست کرد »

با قوانین اجتماعی نمی‌توان یک تظاهرات بیست میلیونی درست کرد. عظمت محبت مولا باعث شده است با اشاره مولا مردم فراتر از دستور عمل کنند. تمام اندیشمندان جهان قبول دارند «از محبت خاها گل می‌شود» ولی می‌گویند محبت وجود ندارد؛ اگر آنها نظام‌هایی غیر از نظام ولایی پیشنهاد می‌دهند علتش این است که چنین محبتی را خیال‌پردازی و ناممکن می‌دانند. نزد دانشمندان و دانش‌های موجود فرض بر این است که انسان‌ها موجوداتی گرگ‌مسلک هستند و گربه‌صفت رفتار می‌کنند، آنها می‌گویند این انسان سودجو و منفعت‌طلب



را تنها با رقابت آزاد می شود کنترل کرد. اربعین نشان داد اگر کار بر محبت مولا صورت بگیرد محبت ممکن است.

« خون امام حسین علیه السلام تا ظهور آرام نمی گیرد »

خون امام حسین علیه السلام تا ظهور آرام نمی گیرد. آیا طبیعی نیست هر لحظه که به ظهور نزدیک می شویم، این ناآرامی بیشتر بشود و به اوج برسد و این انقلاب دل ها تحول بیشتری نشان بدهد؟ چه کسی این دل ها را ملتهب و متحول کرده است؟

امام حسین علیه السلام در روز عاشورا به امام سجاد علیه السلام فرمود: به خدا قسم که خون من آرام نمی گیرد، تا زمانی که مهدی ظهور کند و برای انتقام و از بین بردن ریشه ظلم مبعوث بشود.^(۱) شما مصداق همین آرام نگرفتن خون امام حسین علیه السلام تا ظهور هستید. معلوم است که این عدم آرامش و بی قراری دل ها باید تا زمان ظهور ادامه پیدا کند و هرچه به ظهور نزدیک می شویم، این التهاب بیشتر بشود.

شما صرفاً عزاداران امام حسین علیه السلام نیستید و کار شما فقط عزاداری نیست. برای نام بردن از اربعینی ها باید یک اسم دیگری به کار ببریم. در زیارت اربعین می گوئیم «و نُصَرِّتِي لَكُمْ مَعْدَّةً»^(۲) کمک من برای شما آماده است. شما ناصران و یاوران امام حسین علیه السلام هستید.

اسم شما عزاداران حسین علیه السلام نیست، عزادار یک گوشه ای می نشیند و گریه می کند. شما یاوران امام حسین علیه السلام هستید. در اربعین، این نصرت

۱. امام حسین علیه السلام: «يَا وَلَدِي يَا عَلِيَّ وَاللَّهِ لَا يَسْكُنُ دَمِي حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ الْمُهْدِيَّ فَيَقْتُلَ عَلَى دَمِي مِنَ الْمُنَافِقِينَ الْكَفَرَةَ الْفَسَقَةَ سَبْعِينَ أَلْفًا.» (مناقب

آل ابی طالب، ج ۴، ص ۸۵)

۲. زیارت اربعین.

به جوش می‌آید و ناصران حسین علیه السلام به خروش می‌آیند. شما دارید در آینده قدم می‌زنید و دارید آینده را رقم می‌زنید. احساس یآوری داشته باشید. از همین آغاز پیاده‌روی گام‌های خودت را محکم بگذارید و بگویید «لشکریان امام‌زمان علیه السلام رسیده‌اند»

اسم خودت و حس خودت را عوض کن و بگو «ما یاور امام‌زمان علیه السلام هستیم». حس سربازی حضرت مهدی علیه السلام را در دل‌های خودتان قرار دهید. این کوله‌های شما، کوله‌های نظامی است، نه کوله‌های تفریحی! شما وقتی برای اربعین آمده‌اید یعنی برای نصرت امام‌زمان علیه السلام آمده‌اید. اساساً دسته‌های عزاداری برای نصرت هست، حس یآوری امام‌زمان علیه السلام را بگیرید، این خیال‌پردازی نیست؛ شما همین الان هم دارید امام خود را یاری می‌کنید.

خیلی‌ها با خانواده آمده‌اند. اگر از اینها بپرسید «زن و بچه را چرا آورده‌اید؟ مگر برای رزمایش مهدوی نرفته‌اید؟» می‌گویند: مگر حسین علیه السلام با خانواده‌اش نیامد؟ مگر طفل شش‌ماهه و دختر سه‌ساله‌اش را نیاورد؟

کسانی که هنوز از خانه خود حرکت نکرده‌اند، قصد خودشان را از اول، نصرت و یاری امام‌زمان قرار بدهند، از خانه خودتان که حرکت می‌کنید، این قصد را داشته باشید؛ قصد شما در این سفر، خیلی مهم است. همه زیارت، به قصد آن است.

در حج بهتر است که نیت را با صدای بلند بگویند. شما هم که برای زیارت اربعین آمده‌اید، نیت پیاده‌روی خود را اعلام کنید و با صدای بلند بگویید «خدایا پیاده‌روی می‌کنم قربه‌الیک، برای یاری امام‌زمان علیه السلام»
مرحبا به شما که در این رزمایش مهدوی، حضور پیدا کرده‌اید. وقتی

در زیارت اربعین می‌گویید «و نُصَرَّتِي لَكُمْ مَعْدَةً» یعنی «یابن الحسن، من برای کمک کردن به شما آمده‌ام» این خون امام حسین علیه السلام است که آرام نمی‌گیرد و شما را ملتهب کرده و شما همان غلغله‌ای هستید که در خون امام حسین علیه السلام هست.

خون امام حسین علیه السلام تا ظهور آرام نمی‌گیرد. آیا طبیعی نیست هر لحظه که به ظهور نزدیک می‌شویم، این ناآرامی بیشتر بشود و به اوج برسد و این انقلاب دل‌ها تحول بیشتری نشان بدهد؟ چه کسی این دل‌ها را ملتهب و متحول کرده است؟

قبلاً اگر یک کسی مثلاً یک روز عزاداری نمی‌کرد و یک روز دیگری که حالش را داشت، عزاداری می‌کرد، می‌گفتیم اشکالی ندارد؛ بالاخره آدم یک روز حال دارد و یک روز حال ندارد. ولی بنده برای اولین بار در این ده سالی که اربعین رونق گرفته، دارم این مطلب را عرض می‌کنم: امروز اگر کسی با این اربعین، متحول نشود، علامت خطر است. این التهاب و تحول دل‌ها در اربعین، عادی نیست و معنا دارد.

کسانی که امسال نتوانستند بیایند، بالاخره در شهرهای خودشان در استقبال از زائران اربعین یک خودی نشان بدهند یا اگر می‌توانند به لب مرزها بیایند یا خدمت‌رسانی کنند. کسی نمی‌تواند در اربعین، آرام بگیرد، نسبت به اربعین نمی‌شود بی تفاوت بود.^(۱)

۱. علیرضا پناهیان، آغاز مسیر پیاده‌روی اربعین از جوار مسجد سهله،

دسترسی در: «<http://panahian.ir/post/۷۷۷۹>»

